# حج

# یا

# کنگرهٔ عظیم اسلامی

حیدرعلی قلمداران

چاپخانه قم

بها ۲۰ ریال

# حجّ

## یا

## کنگرهٔ عظیم اسلامی

حیدرعلی قلمداران

چاپخانهٔ قم

بها ۱۰ ریال

بنام خدا




وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

(قران کریم - سورهٔ آل عمران آیه ۹۷)

و مردم را حج آن خانه (کعبه) واجب است برهر کس که توانائی برای رسیدن بدانجا یافت. وکسیکه کفران نمودپس خداوند بی‌نیازاست از عالمیان

# حج

## سرآغاز

حج که یکی ازارکان بزرگ دین وخود یك کنگره عظیم اسلامی است، بعلت جهل وغفلت اکثر مسلمانان بحکمتهای فراوان آن، واطلاع پاره‌ای ازدشمنان بتأثیر وفوایدمهم این فریضهٔ الهیه، از همان روزهای اول مورد گفتگو واشکال واعتراض دوستان نادان ودشمنان زیرك گردیده، بطوریکه تاریخ نشان میدهد همواره بزرگان دین مورد سؤال و مؤاخذه این گونه احکام گردیده وبمعترضین برحسب اقتضای زمان ومکان پاسخهای مدلل ومبین داده‌اند.

چنانکه در کتاب شریف [بحار الانوار جلد بیست ویکم] از امالی شیخ و همچنین در [توحید و علل الشرایع] صدوق علیه الرحمه. و [احتجاج طبرسی] روایت شده که ابن ابی‌العوجاء که یکی از زنادقه عصر امام ششم حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام بوده بخدمت آنحضرت آمد، ودر میان جماعتی که همانند او بودند نشست. آنگاه بحضرت عرض نمود یا اباعبدالله مجالس باید بامانت باشند (کنایه ازاینکه چیزی نباید موجب غوغاشود) وبناچار هر کس را سؤالی باشد میباید سؤال کند. آیا اجازه میدهی سخن گفته شود؟ حضرت فرمود: هر چه میخواهی بگو. ابن‌ابی‌العوجاء گفت: تا کی بدور این‌سنگهامیچرخید وباین سنگ‌سیاه (حجرالاسود) پناه میبرید، واین خانه بلندپایه‌را که از گل‌وخاك بالارفته عبادت مي کنید، ودرپیرامون آن‌مانندشتریکه رمیده‌باشد میدوید؟ کسیکه دراین امر بیندیشد وآن را اندازه کند میداند که این‌کاری است که شخص غیرحکیم وبی‌تدبیری‌آن رااساس نهاده، چون تودررأس‌این‌امر وروشن‌ترین مرجع آنی و پدرت (یعنی رسول‌خدا) آن را تأسیس نموده ونظامش را برپای داشته، جواب‌این اشکال مرا بگو. حضرت جواب اورا بنحوکافی و مقتضی داد که این مختصررا مجال آن‌نیست، و طالبان میتوانند بکتب فوق الذکر مراجعه نمایند.

و همچنین مشهور است که در زمان استیلای‌مغول بکشورهای اسلامی، و آشنا شدن پادشاهان مغول بمبانی دین مبین، یکي از اشکالات مهم پاره‌ای از آنها و مخصوصا هلاکوخان مغول بموضوع حج بوده. و گویند که باآنکه استادالبشر مرحوم‌خواجه نصیرالدین

طوسی فلسفه وحکمت آن احکامرا برای او بیان کرد ، معهذاهلاکو از قبول آن استنکاف نمود و گفت : حکمت تمام احکام اسلام را قبول کردم ولی درمورد این حکم قانع نشدم .

تا اینکه اخیراً که سیل الحاد و بیعلاقه گی بمقررات دین ، از اروپا بسایر بلاد عالم سرازیر شد ، والبته علت آن مظالم دربار پاپ ، و تجاوز کشیشان مذهب مسیح ، و دخالت نا روای آنها درامورى که اصلا بآنها مربوط نبود ، ودشمنی وعداوت باا کتشافات علمی وترقیات مدنی ، بود خواه ناخواه پاره‌ای از افراد سبك مغز شرق در کشورهاي اسلامی ، بتقلید کور کورانه تصور کردند علت عقب‌ماندگي شرق نیز مربوط باحکام دین ومقررات آئین مبین حضرت خاتم النبیین ﷺ است واز طرفی هم دولتهای استعمارگر اروپا ، که بزرگترین مانع پیشرفت خودرادر کشورهای اسلامی ، نفوذ معنوی دین میدانندبانواع وسایل درتضعیف نیروی دین مردم آن کشورها میکوشند ، و بهمین جهت است که مي‌بینیم بعضی از جراید رسوا ، که بتصدی اشخاص بیعلاقه بدین اداره میشود ، با قلمهای زهرآگین نویسندگانی که با عناد خاص وبغض فوق‌العاده‌ای باحکام وقوانین دین مینگرند، پاره‌ای ازمبادی واصول مقررات اسلامی را ببادانتقاد و استهزاء میگیرند ، و تاریك وروشن بابنان وبیان بدان میتازند . تاجائیکه این مرض ساری بپاره‌ای ازکارمندان ورؤسای ادارات رسمی سرایت کرده ، ودرمجالس ومحافل رسمی وغیررسمی ، بکنایه واشاره و گاهی بصراحت بآن احکام و مقررات نیشخند تمسخرمیزنند ، و بعنوان خیرخواهی ملك وملت مردم رادعوت بعدم اجرای آن احکام مینمایند. چنانکه درنطق اخیر معاون

شهرداری تهران که در شماره $\frac{۵۵۸۰}{۴۰/۱۱/۱۴}$ روزنامه کیهان انتشاریافت، می‌بینم که بنام دلسوزی واستعانت برای نگاهداری اطفال حرامزاده‌ای که بقول او بطور متوسط روزانه هفت نفر ازاین اطفال‌را در کنارخیابان تهران میگذارند، وی کسانیکه خودرا مستطیع میدانند دعوت‌میکند که پول حج واجب خودرا برای نگاهداری این اطفال تحویل شهرداری ومعاون محترم اونمایند!

معاون شهرداری در گفتار خوداظهار تعجب مینماید، که در کشوري که اینقدراطفال حرامزاده هست چگونه کسی خودرا مستطیع میداند؟!

هرچند نگارنده جواب ایشان‌را تاجائی که مقتضی بود نوشته وبپاره‌ای ازجراید دادم و درروزنامه شماره $\frac{۱۰۴}{۴۰/۱۲/۱}$ سرچشمه وشماره $\frac{۳۰۹}{۴۰/۳/۱۴}$ روزنامه وظیفه منتشرشد.

ولی برای رفع توهم کلی، وبیان پاره‌ای ازفوایداین حکم محکم الهی، که خودیکی ازافتخارات اسلام بلکه از معجزات شارع مقدس آن‌است، مبادرت بنگارش این مختصرمینماید. امید است که درنزد اهل نظرمطبوع، ودرپیشگاه خالق اکبرمقبول افتد.

«ومن الله التوفیق وعلیه التکلان»

* * *

قبلا باید این نکته مهم ودقیق راخاطرنشان خوانندگان محترم کرد که علت اغلب اشکالات واعتراضات این گویندگان ونویسندگان، عدم آشنائی آنان بمبانی دین وبی اطلاعی از احکام رزین شریعت سیدالمرسلین است. مثلادرهمین موضوع حج تنهادریکي از کتب احکام شیعه[کتاب وسائل الشیعه] شیخ حرعاملی رحمه‌الله علیه بیش ازپنجهزار

حدیث ، درذیل یکهزاروهشت باب آمده . بطورمسلم ویقین اینگونه اشکالتراشان حتی از پنج حدیث ازپنج هزار حدیث آن خبرندارند . واز طرفی هم وضع موجود مسلمین وسیطرهٔ اوهام و خرافات ، و متروك ماندن پاره‌ای ازاحکام حیات‌بخش وسعادت فزای دین‌مبین ،زمینه‌ای فراهم آورده است که این گونه افراد برای یاوه‌های خودبازارمناسبي بدست آورند . بطور کلي اشکال‌وایراد واعتراض مخالفین باین چند چیزخلاصه میشود :

١ ـ مدتي از اوقات شخصی که خود را مستطیع برای زیارت بیت‌الله‌الحرام‌میداند ، صرف‌تهیه‌مقدمات‌حج وانجام‌مناسك‌آن‌میشود ، که قبلادرایران تایکسال واخیراً بجهت پیدایش هواپیما وماشین در حدود دوماه طول میکشد .

٢ ـ مبلغ مهمي ازدرآمد کشور ودارائی مردم صرف‌امور حج میشود که پاره‌ای از جراید مغرض تاحدود چهارصدویا پانصد ملیون تومان تخمین‌میزنند .

٣ ـ تعداد بسیاری از گاو و گوسفند وشتر درروزعید قربان‌در منی کشته وتلف‌میشود . بدون‌اینکه استفاده‌ای‌ازآن‌عایدمردم گردد . بلکه بوی‌عفونت اجساد این‌قربانی‌ها موجب‌اذیت وصدمه حجاج‌شده وبسا که مولدامراض و بیماریها گردد .

٤ ـ مسافرت اشخاص نامهیا وبی‌استعداد بطورنا گهانی ببلادی که‌آب وهوای آن‌مساعد اغلب مزاجها نبوده ، وبعلاوه وسایل‌راحتی وآسایش رافاقد است ، موجب زحمت و صدمه و بیماری گردیده واي بسا که منجربموت و فوت شخص حاجی شود که دورازوطن و خانمان

واقرباوفرزندان‌است .که هم اودرغربت بیابان مرك وهم خانواده‌اش یك‌عمری درانتظار و داغدارند .

۵ ـ اجتماع ناگهانی افراد مللي‌بیگانه وناآشنا دریك‌یا چند روزدرموقف عرفات ومشعر دربیابانی گرم وفاقدوسایل .

۶ ـ تعظیم و کوچکی انسان که اشرف مخلوقات الهی واعظم مبدعات قدرت خداوندي است درمقابل یك‌مشت سنك‌سیاه که بصورت خانه درآمده ! حال‌اگر این‌احترام وتعظیم نسبت بشخصیت‌پیغمبر یا امامی‌بودجاداشت ، امابیك‌خانه سنگی‌چرا ؟!

۷ ـ حرام گشتن حلالها ومحدودشدن‌آزادی انسان تاحدی که هوام وحشرات اورا لانه‌خود قرارداده وموجب اذیت‌اوشوند و او حق نداشته‌باشد ازتمتعات حیات بهره ورشده سهل است حتی از خود دفاع نماید .



این خلاصه گفتار واعتراض تمام ملاحده ومغرضین بادین مبین است ، که‌از ابتداي نزول حکم‌حج‌تاامروز باقي‌بوده ومیباشد .اینك‌ما بیاری پرورد گاربرفع ورد این شبهه‌ها ، تا جائي که این وجیزه رامجال‌است میپردازیم .

پیش‌از اینکه وارد مطلب شده‌و بدفع شبهات بپردازیم ، تقدیم یك‌مقدمه برای تقریب‌ذهن خواننده ، وآماده کردن زمینه برای پاسخ لازم است . وآن اینست که این‌نکته درنهایت وضوح وبداهت ، روشن ومسلم است که انسان یك موجود اجتماعی است و فطرتاً از تفرد و تنهائی وحشت‌دارد ،واگر افرادی‌رامی‌بینیم که بوحدت وعزلت اظهار

علاقه مینمایند ، اولا: درسایه اجتماع ازبسیاری ازلوازم حیات برخوردار شده‌اند ودرپر تو وجود جامعه مسکن و مأمنی برای عزلت و خلوت یافته‌اند. ثانیاً :ازوحشت دچارشدن بپاره‌ای از مفاسد اجتماع که قادر بتغییر آن نیستند ، یا بجهت فرارازقبول مسؤلیت‌هائی که قدرت حیازت آنرا ندارند ، به‌تنهائی تن‌در داده اند. وگرنه آدمی همانطوریکه حکماومنطقیون گفته اندمدنی بالطبع است، وهمینکه‌خوف و وحشت اواز تجاوز همنوع ازبین برود ، بدون درنك‌بانس واجتماع میپردازد. واتفاقاً سعادت وی‌نیز درهمین اجتماع است. بطوریکه بهراندازه که اجتماع سنگین تروعظیمتر باشد، بهمان اندازه رفاه‌وآسایش وسعادت افراددر آن‌اجتماع بیشتراست .زیرا یکنفردر اجتماع بزرگ باقبول اندك مسؤلیتی از امور اجتماع ازملیونها مواهب حیات که بوسیله آن اجتماع تهیه‌شده ، برخوردارمیشود وبرحسب لیاقت واستعداد خودهر گونه نیروئی که در کمون ذات‌وی مخفی است، ازقوه‌بفعل درآمده و بهترین مقام‌ممکن رامیتواند احراز کند .پس‌سعادت افراددر اجتماع وسعادت اجتماع درانس وعلاقه افرادآن بنظم‌و مقررات اجتماع‌است .

ازهمین جهت است که ادیان حقه الهیه ازبدو ظهور انسان در این کره خاکی ، برای‌نیل بدین‌منظورهمواره‌پیروان خودرا باحترام جامعه‌و تعظیم اجتماع واحترام حقوق آن دعوت کرده اند. مخصوصاً دین‌مبین‌اسلام که خلاصه ادیان حقه ، وجان‌وحقیقت مذاهب الهیه‌است مسلمانان را باجتماع وحفظ حقوق جامعه دعوت ، وهمواره درقوانین مقدس وآسمانی‌خود، این‌هدف‌عالی‌راتعقیب ومنظورداشته ، وامکاناتی برای تحقق‌این معنی وحقیقت‌بوجود آورده است.

اولا: رهبانیت وعزلت راحرام، وافرادی که تنهاخور وتنهاخواب وتنهارو باشند، لعنت نموده وسپس برای تحقق اجتماع؛ حقوق وحدود فراواني مقرر فرموده . وبرای وصول بدین غایت حضور مسلمانان را بجماعت یومیه برای انجام عبادت، مستحب مؤکدودرهفته‌ای یك روزجهت نمازجمعه برای مردم هرشهرستان دریك نقطه ، واجب وفرض عینی کرده . وهمچنین دردوعیدی که برای مسلمانان مقرر داشته (عید فطر وعید قربان) ، تمام مردم یك شهرستان رابرای انجام نمازعید ، واستماع خطبه امام( که هر که باشد ، یاشخص حاکم سیاسی اسلام و یانماینده و فرماندار اوست) بطوروجوب دعوت نموده تادربیابانی وسیع ، وعاری از تجمل وتعیین ، حضور یابند ومطالب ودستورات لازم ومهم را از زبان شخص حاکم یانماینده او مستقیماً بشنوند . وبنام خداوبعنوان عبادت آن دستورات را ، که البته تماماً مربوط بحسن نظم اجتماع واحترام قوانین ومقررات مربوط بآنست ، بصورت یك فریضهٔ مذهبی وبعبارت بهتر بعنوان اطاعت فرمان الهي دریافت دارند ، وباجرای آن از صمیم قلب وعمق جان بپردازند . پرواضح است هر گاه اجتماعي باین کیفیت وباین صورت، رشته‌های ارتباط خودرامحکم ومستحکم کند ، دائماًروبترقی وتعالی رفته ، هرگز زوال وفنا وانحطاط وخرابي بدان راه نمی‌یابد ، بلکه همواره درمدارج کمال ، درعروج وارتقاء خواهد بود .

گفتیم که هدف اسلام بوجودآوردن جامعهٔ سعادتمندی است که در عالیترین درجات رفاه ، مراحل کمال را بپیماید . وبا تأکیددرانجام نمازهای یومیه بجماعت ، که در هر شهروده بوسیله امامت عالمترین و عادلترین افراد که احیاناً از عمال عالیقدرحکومت اسلامی است ،

مخصوصاً نماز جمعه وفریضهٔ عیدین ؛ زنجیر اتحادواخوت دربین مردم شهرستانها ودهستانها ببهترین صورت بوجودآمده ورشته‌های ارتباط وبهم‌بستگی بنیکوترین وجه مربوط وبرقرار میشود . آنگاه باواجب نمودن فریضهٔ حج برمتمکنین وصاحبان استطاعت ، از هرشهر وبلدی از بلاد اسلام وافراد مسلمان، بنیان کاخ اتحاد و ارتباط را ببهترین صورت وآسانترین وجه پی گزاری مینماید .

توضیح این مدعی آنکه در شریعت مطهره اسلامی برهر فرد متمکن ومستطیعی که از نعمت سلامت ومال برخوردارباشد ، واجب است که در عمر خود حداقل یك مرتبه بزیارت بیت الله‌الحرام ، در ایام حج مشرف شود ، و مناسك وآداب حجرابجا آورد . پرواضح است که در مدینه فاضله اسلامی که فقط قانون وعدالت حاکم است ، افرادی صاحب مکنت و مال از طریق حلال میشوند که از موهبت عقل وهوش برافراد دیگر مزیت داشته باشند ، و چون چنین افرادی که بالفطره صاحب ادراکات و احساسات بیشتري هستند ، بهتر میتوانند باحقایق امور مواجه و آن را درك کنند و در افراد دیگر مؤثر گردند ، لذا صاحب شریعت آنانرا مکلف داشته که بموجب استطاعت خود ، در کنگره عظیم سالیانه اسلامی که بعنوان‌حج در شریفترین امکنه تشکیل میشود شرکت جویند . و چون در این کنفرانس بزرك دیني ، باید حاکم و سر پرست دولت واحد اسلامی حاضر شود ، حضور افراد برجسته وباهوش هر شهر و دهي طبعا این مجال را میدهد ، که مطالب اجتماعی ومسائل اقتصادي وحتی سیاسی را با زمامدار بزرك اسلام‌درمیان گزارند ، وهر کدام احتیاجات محیط

ومنطقهٔ خودرا بدیگران عرضه داشته‌ودررفع وتأمین نیازمندی ها از برادران مسلمان خوداستمدادجویند ، ونظرحاکم اسلامرا بموضوعات لازمه جلب نمایند . وچنان که انشاءالله بعداً بیان‌خواهیم داشت حاکم اسلام ضمن خطبه‌ها ونطق‌های مهم ولازمی که در موقف عرفات ومنی ایراد خواهد نمود ، عموم مسلمان را بنکات مهم سیاسی واجتماعی‌و اقتصادی روز روشن خواهـد کرد ، و آنانرا بنحو مقتضي در جـریان اتخاذ سیاست‌های لازم خواهد گذاشت ، وبالاخره تکالیف ودستورات لازمه یکساله را برای پیشرفت و اعتلای عامه مسلمین تعین خواهد کرد . وچون حاکم منتخب مسلمین که بدستور مقررات اسلام‌تعیین و انتخاب شده ، و دائر مدار امور مسلمانان است ، بموجب فرمان واجب الاذعان خداوندی اطاعتش در اجرای احکام الهی واوامریکه موجب عظمت وسر بلندی مسلمین است ، همچون فرمان خداورسول واجب ، و مخالفتش مانند مخالفت باخدا و رسول و حرام‌است، واین مطلب را مابطور وافی وشافی در کتاب (ارمغان آسمان) اثبات ومدلل نموده‌ایم ، لذا عموم حجاج که در سر زمین مقدس وحـی و مهبط الهام یعنی کعبه بیت الحرام حضوردارند ،آن دستوراترا ازروی شوق دل وازروی جان از زبان زمامدار امور مسلمین وحاکم اسلام شنیده و باقلبی مملو از عشق و شور عظمت اسلام و مسلمین ، بکشور خود بر گشته پیغام ودستورات واوامر پیشوای سیاسی و دینی مسلمین را بصورت بهترین ارمغان ببرادران دیگر خود که توفیق درک‌این سعادت را نیافته‌اند تقدیم واظهار میدارند .

پس‌درحقیقت‌هرحاجی‌بااین کیفیت‌نماینده‌ای است‌ازطرف‌شهرودهو

قوم وقبیله خود، که در این کنفرانس بزرك دینی و کنگره عظیم اسلامی شرکت جسته ، پس از آنکه روح بزرك وفکر بلندخود را از حظوظ و لذائذ روحانی ، بوسیله طواف وسعی وقربانی وسایر مناسك حج اشباع و بهره ور نمود ، از جریان اوضاع و دقایق نکات رویدادهای جهان نیز مطلع گشته ، و بوسیله بیانات وخطابات حاکم سیاسی اسلام ، که در زبان شرع بآن امام میگویند ، نیز تکالیف و وظایف خود را در مقابل حوادث روزگار میفهمد ، و برای هم آهنك نمودن سایر افراد که در آفاق وبلاد منتشر و دسترسی بدریافت مستقیم آن نداشته‌اند ، پیغام آور صمیمی و مهربانی خواهد بود ، و در مراجعت بوطن وبلد خود این وظیفه مهم را ببهترین وشیرین ترین صورت انجام خواهد داد .

در این امر مهم وپیش آمد لازم که بهترین طریق ارتباط واتصال جوامع بیکدیگر وعالی‌ترین وسیله اتحاد واتفاق است ، دین مقدس اسلام آن را بآسان ترین کیفیت و نیکوترین صورت انجام میدهد ، که هیچ عقل متفکری نمیتواند مانندآن را بیندیشد ، یا بدرك فواید یکی از هزار آن نائل آید .

اینك ما فوائد اجتماعی این فریضه عظمای الهی را ، بطوریکه آیات و اخبار نیز آن را تأیید بلکه تصریح مینمایند ، در زیر از نظر خوانندگان میگذرانیم ، زیرا چنانکه گفتیم حج يك امر اجتماعی است وبرای تحکیم روابط اجتماع و اتحاد مقرر شده . آنگاه بفواید انفرادی آن که قهراً در ضمن انجام این عمل اجتماعی حاصل میشود، میپردازیم . وبسا باشد که فائده انفرادی پاره‌ای از اعمال ودستورات حج ضمن تشریح فواید اجتماعی آن معلوم گردد ، واحتیاج بشرح و

بیان علیحده نداشته باشد .

ضمناً این نکته نا گفته نماند که منظورشرع انور از انجام عمل حج آن حجی است که طبق دستورشرع که پاره‌ای ازآن در این رساله خواهد آمد ، بوده باشد. و گرنه بسیاری از این اشخاص که برای شهرت وریا و حیازت لقب (حاجی آقا) با ارتکاب چندین منکرات مبادرت بحج مینمایند ، نه تنها تأمین منظورشرع را نکرده ونمیکنند ، بلکه بسا باشد موجب لعن خدا ونفرین اولیای او باشند .

## «فوايد اجتماعی حج»

۱ ـ علامه مجلسی اعلی‌الله مقامه ، در جلد [۲۱ بحارالانوار] از فقه رضوی در آداب مسافرت حج نقل نموده است که آنحضرت فرمود :

**اذا اردت الخروج الی الحج وودعت اهلك واوصيت وقضيت ما عليك من الدين و احسنت الوصية لانك لا تدری كيف يكون عسی ان لاترجع من سفرك .**

میفرماید : [هنگامیکه اراده بیرون آمدن بقصد حج نمودی، اهل و اولاد خود را وداع کرده ، و وصیت نموده ، و آنچه از دین و بدهکاری بر گردن تواست قضا کرده وانجام میدهی ، وبه نیکی وصیت مینمائی ، زیرا توچه میدانی ، بسا باشد که دیگر از این سفر بر نگردی] .

وچنانکه می بینیم و بحمدالله هم اکنون معمول است اکثر کسانی که قصد تشرف بزیارت بیت‌الله الحرام دارند قبلا بجمیع حسابهای

بدهکاری وبستانکاری خود رسیده گی کرده ، وحقوق وذمهٔای که از دیگران برعهده دارندمیپردازند ؛ چنانکه بسا باشد که مطالبات ده ساله وصد ساله که صاحبان حق بکلی از آن صرفنظر کرده وضایع بشمار گرفته‌اند، همینکه مدیون آنها قصد حج کرد تمام آن حقوق ومطالبات را پرداخته واز تعویق وتأخیر وتسویف خود عذر خواهی مینماید ، وای بسا که بـرای همین گونـه مطالبات دشمنی هـا وعداوتها پیدا شده و در محاکم دادگستری پروندها تشکیل وبرای بدبختی طرفین زمینه‌ها چیده‌شده ، ولی‌با قصد حج بدهکار یا صاحب حق، یکباره تحول‌وتغییرعظیمی درروحیه طرف پیدا میشود ، وبدادن حق بحقدارتمام آن دشمنيها و عداوتها مبدل بخیرخواهی و دوستيميگردد ، و کین کهن‌فراموش‌میشودبلکه بساباشد بجای آن محبت فوق‌العاده وشدید جانشین گردد .

کسي که برطبق این دستورمقدس عازم حج میشود منشأ چند خیر بزرك میگردد :

١ـ حقوق‌بصاحب‌حق‌میرسدوآن‌موجب‌خوشنودی‌خداوخلق‌است.

٢ـ نزاع ومجادله خاتمه پیدا میکند .

٣ ـ دشمنی‌وعداوت بدل بدوستی‌ومحبت میشود .

٤ ـ توزیع ثروت که یکی ازهدفهای شارع مقدس‌اسلام‌وموجب آبادانی جهان وآسایش مردمان‌است ، صورت میگیرد .

٥ ـ دروصیتي که شخص‌حاجی‌میکندمعمولا مقداری از ثروت خودرا برای امورعام‌المنفعه ، چون تبلیغ‌احکام دین، ساختمان‌مدرسه ومسجد ودارالایتام و بیمارستان و امثال آن ، اختصاص میدهد . وپر

واضح است که اینگونه امور برای رفاه اجتماع و آسایش آن چقدر مفیداست . واگر احصائیه وآماری درکار بود آنوقت معلوم میشدکه چه اندازه ازاین‌قبیل‌اموربوسیله وصیت‌های‌حجاج انجام گرفته‌است . فائده انفرادی این‌اعمال برای‌شخص‌حاجی ، ازآرامش وجدان وجلب محبت و علاقه دیگران نسبت بخود ورضای پروردگارسبحان ، بسی واضح است .

۲ ـ درکتاب شریف [مصباح الشریعه] و همچنین در جلد [۲۱ بحار] از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که ، در آداب مسافرت حج میفرماید :

[اذا اردت الحج فجردقلبك لله من قبل عزيمتك من كل شاغل وحجاب وفوض امورك كلها الي‌خالقك وتوكل‌عليه في جميع مايظهر من‌حركاتك وسكناتك وسلم لقضائه وحكمه وقدره ودع‌الدنياوالراحة والخلق واخرج من حقوق تلزمك من جهة المخلوقين ولا تعتمد على زادك وراحلتك‌واصحابك وقومك وشبابك] .

میفرماید : همینکه اراده‌حج نمودی ، قبل‌ازعزیمت قلب‌خودرا برای خدا ازهرگونه گرفتاری و حجابی خالی و عریان کن ، و تمام امور خودرا بخالق وآفریننده خود واگذاشته ودرجمیع آنچه که از حرکات‌وسکنات ، ازتوبظهورمیرسدبخدا واگذاروتسلیم قضا وحکمت وقدر اوباش ودنیا وراحتی واقبال‌مردم رابیك‌سو بنه ، وحقوقی که‌از ناحیه مخلوقات برتو لازم شده بیرون کن ، و تکیه و اعتماد بر توشه وراحله ویاران وخویشان وجوانی خودمکن] .

آنگاه پس‌از سفارش‌های دیگرمیفرماید :

[واحسن الصحبة وراع اوقات فرائض‌الله وسنن نبیه ﷺ وما یجب علیك من الادب والاحتمال والصبر والشکر والشفقه والسخاء وایثارالزاد علی ذوام‌الاوقات].

دراین‌جمله میفرماید:

باهمسفران خود به نیکوئي رفاقت کن، و اوقات فرائض خدا وسنت‌های پیغمبراورارعایت‌نما، ونیزهرچه‌ازادب واحتمال‌وشکیبائی وسپاسگزاری‌وشفقت‌ومهربانی‌وسخاوت‌وبذل‌وبخشش‌توشه برتوواجب است،دائم الاوقات مراعات کن ...

اینك خودشما بیندیشید آنکس که این‌آداب را در انجام حج رعایت‌نماید، چگونه یك‌فرشته ملکوتی گشته ومنبع ومنشأخیربرای خود و دیگران خواهد شد. و آنکه با چنین اخلاقی مبادرت ببذل و ایثار مال نموده واز مالی که پروردگار در اختیار او گزارده خود ودیگران را بهره‌ور نماید، چگونه محبوب خدا وخلق خواهد شد؟ این نکته نیز مخفی نماناد که با اینکه اسراف در شرع مطهرحرام واقتصاد ممدوح است، بالعکس در سفر حج بهر اندازه که در خرج فراخ دستي‌شود ممدوح پروردگاروبخل‌وامساك‌موجب‌غضب‌آفریدگار جهان خواهد گشت.

پس برشخص حاجی قبل‌از هرچیز لازم است که دربذل و ایثار بکوشد تا محبوب خدا وخلق شود. ضمناً باید هرحاجی باین نکته واقف‌شود که برحسب اخبار وآثاری که ازائمه اطهارعلیهم‌صلوات‌الله الملك الجبار رسیده، اگر حاجی باین دستورات عمل نمایدانشاءالله هرگز روی فقرونداری نخواهددید.

چنانکه در [تفسیرعیاشی] و جلد [۲۱ بحار] از حضرت ابو-
ابراهیم موسی‌بن جعفر سلام‌الله‌علیه واردشده که آنحضرت‌فرمود :

**«لایملق حاج ابداً»**

[شخص حاجي هرگز فقیرونادار نخواهد شد] .

وهمچنین مانند این‌روایت ازحضرت صادق ﷺ وارد شده است .
ودرکتاب شریف[وسائل‌الشیعه] وکتاب‌مستطاب[من لایحضره‌الفقیه]
رئیس‌المحدثین شیخ صدوق قمی‌درحدیثی ازحضرت رسول خدا ﷺ
روایت شده که آن حضرت فرمود :

**«وحجوا تستغنوا»**

[حج بجاآورید تامستغنی وبی‌نیازشوید] .

پس انجام مناسك حج موجب بی‌نیازی و مستلزم غنا واستغنا
است .

۳ - درکتاب‌شریف [علل‌الشرایع] وکتاب [عیون‌اخبارالرضا]
و جلد [۲۱ بحارالانوار] باسانید معتبر از فضل بن شاذان از حضرت
رضا سلام‌الله‌علیه روایت شده که آن‌حضرت درحدیث طویلي فرمود :

[ انما امروا بالحج لعلة الوفادة الی الله عزوجل و طلب الزیادة
والخروج عن کل مااقترف‌العبد تائباً مماقضی مستأنفاً لمایستقبل مع
مافیه من‌اخراج‌الاموال‌وتعب‌الابدان والاشتغال عن‌الاهل والولدوحظر
النفس عن‌اللذات شاخصاً في‌الحروالبرد ثابتاً علی ذلك دائمامع‌الخضوع
والاستکانة والتذلل مع ما فی ذلك الجمیع الخلق من المنافع لجمیع
فی‌شرق الارض وغربها ومن‌فی البرو البحرممن یحج و ممن‌لا یحج‌من
بین‌تاجر وجالب وبایع ومشتری وکاسب ومسکین ومکارو فقیروقضاء

حوائج اهل الاطراف فی‌المواضع الممکن لهم الاجتماع فیه‌مع مافیه من‌التفقه ونقل اخبار الائمة الی کل صقع‌و ناحیة کما قال‌عزوجل فلو لانفر من کل‌افرقه‌منهم‌طائفة لیتفقهوا فی‌الدین‌ولینذروا قومهم‌اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون ـ ولیشهدوا منافعهم] .

حضرت اقدس رضوی‌علیه صلوات الله‌الملك العلی ّدر این‌حدیث شریف میفرماید :

[مردم‌برای این‌مأمور بحج‌شدندتاهمچون‌مهمان وواردی بجانب خدای عزوجل بعنوان زیارت‌وارد‌شوند. وبنده از گناهانی که مرتکب شده‌خارج گردد ، درحالیکه ازآنچه گذشته توبه‌کار، وپژوهنده اعمال نیك‌در آینده است . و درعین حال در این عمل اخراج اموال و تعب ابدان‌و انصراف ازاهل واولاد وبازداشتن نفس ازلذات وخودرا مهیا کردن برای گرما وسرما وثابت‌بودن براین‌حال‌است بطور همیشگی باخضوع وشکستگی ونرمش‌وفروتنی ،ودرعین حال‌درآن برای‌جمیع خلق‌از تمام مردمی که درخاوروباخترزمین میباشند و دردریاو صحرا هستند منافع بیشماری است، چه آنهائیکه حج بجا می‌آورند ، وچه آنهائیکه حاجی‌نیستند. که درهرصورت منفعتی دارند، یاتاجرند ویا جالب ، یافروشنده ، یاخریدار، یاکاسبندیامسکین‌ومکاری‌وفقیر. ودر ضمن قضای حوائج اهالی اطراف است( کسانیکه دربین راه‌یادرشهرستانهای بین‌راه‌ویامکانهای‌دیگرند)درمواضعی که‌درآن‌امکان‌اجتماع‌در آنجابرایشان آسان‌است( زیراخیراینعمل بهرحال‌وصورت‌بایشان‌خواهد رسید) ودرعین‌حال‌تفقه دین‌وآشناشدن‌باحکام‌آئین‌برای‌ایشان میسر میشود ونقل اخبار پیشوایان وزمامداران بهر گوشه وناحیه‌ای صورت

پذیر است (درصدر مقاله گفتیم که حجاج در بر گشت ببلاد خودحامل پیغامها ودستوراتی ازحاکم وزمامدارمسلمین میباشند، اشاره حضرت دراینجابهمان معنی‌است) چنانکه خدای عزوجل‌میفرماید : چرا ازهر فرقه‌ای‌طایفه‌ای برای‌تفقه دردین‌نمیروند؛ تاهمینکه بر گشتندبسوی ایشان(قوم‌خود) آنانراانذار کنندتاشایدازخدابترسند . ونیزمیفرماید : باید برای‌جلب منافع خود بانجام حج حاضرشوند]

می‌بینید که دراین حدیث شریف‌حضرت رضافواید حج‌را تقسیم بفوائد انفرادی واجتماعی میفرماید ، که‌ذیلا خلاصه میشود :

## فواید انفرادی‌حج ازنظرحضرت رضاعلیه السلام

۱ـ وفود بپرورد گار وورود بدربار آفریننده جهان .

۲ـ درخواست زیارت وتقاضای‌تجلی‌خاص که برقلوب پا کدلان مخلص‌صورت میگیرد .

۳ـدست کشیدن بنده‌از گناهانی که تاحال مرتکب‌میشده‌است ومیدانیم که اغلب کسانیکه بزیارت حج‌موفق میشوند کمتر پیرامون معاصی میگردند وتو گوئي خود این کلمه حاجی حاجب ومانعی است که‌شخص حاجی از ارتکاب بسیاری از معاصی خود بخود بازداشته میشود . چنانکه اگرخدای نا کرده شخص‌حاجی مرتکب معصیتی شود مردم وی‌را ازغیر حاجی بیشتر ملامت‌مینمایند .

٤ـ ازسر گرفتن عمل نیك‌برای‌آینده . این‌حقیقت نیزمشهود است که غالب کسانیکه توفیق حج‌مییابند اقبالشان بکارهای خوب خیلی بیشتر اززمانی است که بحج‌موفق نگشته بودند .

٥ـ خروج اموال : هرچند این‌از فواید اجتماعی حج‌است امااز

نقطه‌نظر فردی نیزحائزاهمیت است‌زیرا خروج وخرج کردن مال ، نفس‌آدمی راتزکیه واخلاق اورا تهذیب ، وصفا وروحانیتی خاص‌بآن می‌بخشدکه درنزد اهلش معلوم ومسلم است .

۶- تعب‌وزحمت ومشقت بدنی، بایددانست که عبادات درمذهب مقدس اسلام‌برسه قسم‌است‌یامتعلق‌بجان‌است‌مانند نمازوروزه وجهاد ، ویامتعلق بمال است مانند زکوة وخمس‌وصدقات‌و کفارات ، ویامتعلق بهردو است مانندحج پس‌از اینقرار حج‌جامع هردو فضیلت است بقدر مقدور .

۷- اشتغال وانصراف ازاهل وعیال وفرزندان وداغ فراق آنهارا بردل نهادن و از آنان دل کندن وروی بخدا آوردن . کسانیکه لذت محبت ومعرفت چشیده اند میدانندکه دراین فائده که امام میفرماید چه‌حظوظ ولذاتي است.

۸- ممنوع داشتن نفس‌از لذت‌خورد وخواب‌وآسایش ، وورزش دادن نفس بمحرومیت هاازتمتعات که درصفای روح‌وصیقلی کردن‌آن معجزه‌عظیم داردوجزاهل‌آن‌نمیتواند فوایداین‌ممنوعیت رادرك‌نماید .

اگرلذت ترك‌لذت بدانی      دگرلذت نفس‌لذت‌نخوانی

۹- خودرا در دسترس گرما وسرما قرار دادن وبدین حال‌ثابت بودن که درترویض نفس وتقویت وپیدایش روح‌جانبازی وسلحشوری‌و چیره گشتن برطبیعت اثری بس‌عظیم داردو آدمی رادرمبارزه باآفات حیات مجهز و گستاخ میکند .

۱۰- پیدایش روح خضوع و فروتنی و شکستگی وزایل شدن روح انانیت وخود پسندی .

## فواید اجتماعی حج ازنظر حضرت رضا علیه‌السلام

۱ ـ فواید حج منحصر بشخص حاجی نیست بلکه تمام مردم چه کسانیکه درخاور وچه کسانیکه درباختر کرهٔ ارضند ازفوایدحج حاجیان بهره ورند . زیرا چنانکه قبلا یادآور شدیم حاجی در هنگام خروج اموال خودرا ازحقوق خداوخلق پاک میکند ، یعنی دیونی که بمردم بدهکار است میپردازد پس خیروفائده اش بطلبکاران میرسد ، زکوتی که تاحال نمیداده میدهدپس خیراو بفقرا وارباب زکوةمیرسد ، خمسی که تاکنون نپرداخته میپردازد پس خیروفائده اوبسادات وذریه پیغمبر میرسد ، سهم امامی که تاحال ادانکرده ادامینمایدپس خیراو بکسانیکه مستحق این مالند میرسد ، علاوه برآن برای خوددرنزداین اشخاص یعنی طلبکار وفقرا و سادات و علما قهراً کسب محبوبیت و جلب ارادت مینماید ، وصیت بساختن بنای مسجد ومدرسه ودارالا یتام وبیمارستان میکند پس خیر او بنماز گذاران ومحصلین علوم ویتیمان وبیماران میرسد ، پس درحقیقت بفرموده حضرت رضا بجمیع من فی شرق الارض و غربها خیرش میرسد .

حال همینکه ازخانه بیرون آمد ، خیرش بکاسب وتاجروحاجی و غیرحاجی، بفروشنده وبمشتری وبفقیرو بمسکین میرسد ، زیرا هر کس بنحوی ازوی استفاده میکند ازقبیل خرید لوازم حج و کرایه وسایط نقلیه برحسب اقتضای زمان درصحرا و دریا .

۲ ـ قضای حوائج اهل اطراف یعنی در هر جا که از جامعه

انسانی نشانی‌است و امکان‌دسترسی حاجی‌بآن است . ازجمله : خریدو فروش و مذاکرات وقرار دادهای تجاری واقتصادی

۳ ـ تفقه در دین حاصل‌میشود . اصولا مسافرت باعث تفقه و تدبر ، وشخص مسافردارای تجربه وحدت نظرمیگردد وچون بناچار باید مناسك‌حج‌را انجام‌دهددرصددتحصیل‌مسائل لازم‌برمی آیدبالنتیجه چیزهائی‌میفهمد که‌تاحال‌نفهیده‌وهمین‌معنی گذشته ازفائده‌انفرادی ، فایده‌اجتماعی آن‌بسیارمهم‌است‌زیراهمواره‌اجتماع بداشتن‌افرادفهمیده ، سعادتمند است . وعمل حج شخص‌حاجی را فهمیده وفقیه میکند .

٤ ـ نقل اخبارائمه . چنانکه قبلانیزیادآورشدیم امام مسلمین و حاکم سیاسی اسلام برطبق سیره و سنت نبوی در موقف عرفات و منی بایراد خطبه ونطق میپردازد . وبعلاوه درصورت‌لزوم‌افرادشاخص وسر شناس هر بلد و نقطه‌ای‌را خواسته باآنها مذاکرات لازم سیاسی واجتماعی‌واقتصادی مینماید . وافرادزبده اجتماعراکه بصورت حاجی در لباس احرام برای انجام فریضه عظیمه حج‌حاضرشده‌اند ، بموقعیت وکیفیت اوضاع سیاسی جهان تاآنجاکه مقتضی بداندآشنا مینماید . وهمین معنی باعث میشود که آنان نیز اخبارپیشوای مسلمین راببلاد وکشورهای دیگر بهرصقع و ناحیه‌ای نقل ومنتشر کنند .

۵ ـ هر حاجی بقدر مقدور و باندازه استعداد و قدرت شاهد منفعت خود گشته ازمذاکرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و قرار دادهای تجاری و پیمانهای‌اقتصادی‌بهره‌لازم وکافی برمیگیردوبکشور ووطن خودمیبرد که :

**ولیشهدوامنافعهم**

و نیز خدای متعال در جای دیگر در همین مورد میفرماید :

[وتزودوا]

یعنی از حج توشهٔ بر گیرید . و البته آن شامل منافع دنیوی علاوه بر فائده اخروی نیزمیباشد . پیداست که ملتی که دارای چنین دستوری بوده وافراد آن کما هو حقه ، بانجام آن توفیق یابنددر صحنه اجتماع انسانی ، دارای چه مقامی خواهندبود !

## اینك فوائد ومنافع حج از نظر حضرت صادق (ع)

در کتاب شریف [و سائل الشیعه] شیخ حر عاملی این حدیث در فوائد حج ، ازهشام بن الحکم روایت شده :

[قال سألت اباعبدالله علیه السلام فقلت له ما العلة التی من اجلها کلف الله العباد الحج و الطواف بالبیت فقال ان الله خلق الخلق الی ان قال وامرهم بما یکون من امر الطاعة فی الدین و مصلحتهم من امردنیاهم فجعل فیه الاجتماع من الشرق والغرب لیتعارفوا ولینزع کل قوم من التجارات من بلدا لی بلد ولینفع بذلك المکاری والجمال ولتعرف آثار رسول الله و تعرف اخباره و یذکرولاینسی و لوکان کل قوم انما یتکلمون علی بلادهم ومافیها هلکوا وخربت البلاد وسقطت الجلب والارباح وعمیت الاخبار ولم یقفوا علی ذلك فذلك علة الحج ]

مضمون حدیث شریف آنکه :

هشام بن حکم که یکی ازمشاهیر اصحاب حضرت صادق علیه السلام است میگوید: [ازآنحضرت پرسیده و گفتم چه علتی دارد که خدا بجهت آن بندگان خود رابحج وطواف خانه کعبه مکلف فرموده است ؟ حضرت فرمود : خدا آفریدگان را آفرید تاآنجا که فرمود ایشانرا بچیزی

از امر طاعت دستور فرمود کـه هم فرمانبرداری در دین است و هم مصلحت امر دنیای ایشان . پس در آن دستور مقرر فرمود که اهل‌شرق وغرب‌دریك نقطه اجتماع نمایند تا یکدیگررا بشناسند . و هم هر گروهی امور تجارتی خودرا ازبلدی ببلد دیگر گسترش دهند تا بدینوسیله و احدهای بار بری و حمل و نقل منتفع شوند و آثار رسول خدا شناخته گردد و اخباروی معروف شود ویادآوری گشته ، فراموش‌نگردد و اگر چنین باشد که هـر گروهی فقط بزبان خود تکلم کرده و بهمان چیزی که درآن است قناعت‌نموده ، باستفاده از صنایع‌ومتاع دیگران‌نپردازند ، هلاك خواهندشد وبلاد خراب وویران میشود وبهره گیري وسود بردن از یکدیکرساقط ونابودمیگردد ، و اخبار گور و کم شده کسی بدان‌راه نخواهدبرد ، اینها علت حج‌است . پس‌ازنظرامام ششم‌علیه‌الصلوة‌و السلام‌فواید حج‌علاوه برآنکه اطاعت پرورد گارجهان‌است ،که بایدبدون‌چون‌وچرا اجراشود، درآن‌مصالح دنیائی فراوان است زیرا :

١ـ موجب‌اجتماع‌اهل‌شرق وغرب‌میشودتا بدینوسیله تعارف و شناسائی‌ملت‌اسلام‌با یکدیکربآسانی‌صورت پذیرد ، وهرمسلمانی که درده‌وشهرخود، خود راکم وتنهامی‌پنداشت‌بداند که اوبابیش‌ازششصد ملیون مردم زنده‌روی زمین برادر وبرابر است‌و روح امیدو علاقه‌و شجاعت دروی تقویت شود.

٢ـ باعث گشایش‌طریق‌دادوستدوجلب‌متاع‌وصنایع هر کشوری بکشوردیگر گشته ، وباقراردادهای‌تجاري واقتصادی ، هرنقطه‌اي‌از بلاداسلام بتواند ازمحصولات وصنایع بلددیگرمتمتع وبهره ور شود .

٣ــ باانجام‌عمل‌حج وهمچنین‌امورتجارت ، دستگاهها وشرکت های حمل ونقل هوائی وزمینی ودریائی منتفع ومستفید گردند .

٤ــ باسفر کردن بمولد و مسقط الرأس پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ومنزل وحی‌ومهبط الهام ،آثاررسول خدا که دین‌مبین اسلام وزحمات‌آن‌بزر-گوار برای تبلیغ این‌دین است ، شناخته شود ومردم بدانند که این عین‌الحیوة جاودانی‌دین ازچه سرزمین خشکی‌جاری‌شده ، واین نور تابنده‌الهی ازچه‌نقطه‌تاریك‌وحشت زائی برجهانیان‌تابیده . وبادیدن‌آن سرزمین که هنوزپس‌ازچهارده‌قرن‌مردمش‌دربدترین‌شرایط زندگی‌و تربیت‌بسرمیبرند، درك کند که‌چگونه‌احکام‌ابدی‌وحیات‌بخش‌قرآن بردل‌نازنین پیغمبرنازل گردیده‌است . وضمناً اخباررسول خدامعروف ویادآوری شودتاببوتهٔ اجمال‌وفراموشی نیفتد .

٥ــ مردم ازبلاد و مواطن خود قدمی بیرون گذارند واز فواید سفرمنتفع‌شوند،وهرقومی‌بدانچه‌داردقانع‌نگردد،نکندجامعه‌ازاین‌حیث عقب مانده وروبقهقری‌رودتا سرانجام نابودشود . واگربنا باشد هر ملتی‌بهرچه دارد قانع شود درآن صورت کشور هاخراب و سودها و ارباحی که مردم‌ازیکدیگرمیبرندساقط گردیده‌اخبار که وسیله‌ارتباط است محوو گم گشته مردم بدان راه‌نیابند .

## اینك‌بتوفیق‌خدا میپردازیم بپاسخ اشکالاتی که در صدراین مقاله ازنظر مخالفین آوردیم

**اشکال‌اول:** گفتیم‌اولین‌ایرادواعتراض‌مخالفین‌برتلف‌عمراست که دراین‌زمان‌بیش‌ازدوماه‌راشامل‌نمیشودوصرف‌این‌مدت‌ازعمردرراه‌عبادت پروردگارباآن همه فوایدی که دراین‌عمل‌است که شمه‌ای ازآن‌ازنظر

خوانندگان گذشت بسی ناچیز بوده بلکه درحقیقت پر برکت‌ترین ایام عمر ازهرجهت که تصور برود، میباشد. زیرادراین مدت کم ازتعارف وآشنائی بمردم زمان وسیردر بلدان وتعاهد اخوان والفت وانس بافرق مختلف مسلمانان آنقدر فوائد هست که باحصاء درنمی آیدپس درپاسخ آن از غایت وضوح مطلب وسخافت اعتراض ، اصلا بتطویل نمیپردازیم .

**اشکال دوم** - این بود که مال بسیاري دراین راه تلف میشود و گفتیم که پاره‌ای ازگویندگان ونویسندگان مغرض آن‌را تاپانصد ملیون تومان خسارت بمالیه کشور بحساب می‌آورند . وحال اینکه اولا این حساب از روی بغض وغرض است وگرنه هرگز مخارج حجاج ایران درهیچ سالی حتی به یك دهم این مبلغ هم نمیرسد . زیراسالیانه حد اکثراز این کشور ده الی پانزده هزارنفر حاجی بزیارت بیت‌الله مشرف میشود ، واگر بطورمتوسط مخارج هرحاجی راپنجهزارتومان برآورد کنیم( درحالیکه اکثراً باین مبلغ نمیرسد چون خود این جانب در همین سالهای اخیر مشرف شدم ، وخرج ایاب وذهاب وهزینه راه وقربانی وکرایه، بااینکه تك وتنها بوده وشریکی نداشتم خیلی کمتر ازاین مبلغ شد) تمام مخارج پانزده هزارنفر بالغ بهفتادوپنج ملیون تومان میشود وفرضاً که درسفر حج هیچ فائده دنیوی مهم متصور نشود وفقط بسود معنوی و دینی آن اکتفاشود ، خرج هفتادوپنج ملیون تومان درملتی که رقم دزدی یکنفر ازمختلسین اموال دولت بیش از آن است، وخرج یکساختمان مجلس شورای آن صدوپنجاه ملیون تومان میباشد ، خیلی ناچیز است وحال اینکه بیش ازدوثلث همین هفتادوپنج ملیون ، بجیب شرکتهای ایرانی ودلالها وواسطه‌ها وکسبهٔ ایرانی میرود وآنچه هم که صرف خریداشیاء وسوغاتی

میشود ، بصورت جنس وارد مملکت شده و دولت گمرك کلانی از آن دریافت میدارد. پس مبلغ ناچیزی ازآن بعنوان کرایه مکان واجرت مطوف وپول قربانی داده میشود و حقیقتاً جز بغض وعناد بااساس دیانت که پایه بقاي جامعه است ، هیچ چیز موجب اینگونه یاوه گوئي ها نمیشود.

حالا اگر براستی این قبیل نویسندگان و گویندگان دلشان بحال مملکت میسوزد ، خوب است این صرفه جوئی هارا ازمسافرین اروپا وامریکا بخواهند ، که غالباً برای عیاشی وبسا باشد که برای وطن فروشی بآنکشورها میروند وسالیانه شماره آنها خیلی بیشتر از حجاج بوده و هزینه و اسراف و تبذیر آنها که ، اکثراً از هزار فامیلند باحجاج که اهل دهات ومردم قانع ونجیبند قابل قیاس نیست . بااینکه مسافرت این دودسته ازجهت فائده وضرر درمقابل یکدیگر است . بدین شرح :

۱ــ مسافرت يك حاجی بزیارت بیت الله حداکثر مستلزم خرج پنجهزار تومان است ومسافرت یکنفر باروپا یاامریکا حداقل پنج برابر این مبلغ .

۲ــ مسافرت يك حاجی بزیارت خانه خدا موجب تعارف و علاقه ببرادران مسلمان دیگر اوست ، و مسافرت یکنفر بخارجه موجب دوری ازمسلمین وتنفر ازوطن ومردم آن .

۳ـ مسافرت يك حاجی بمکه موجب تحکیم مبانی وعقایددینی اومیشود ، ومسافرت یکنفر باروپا باعث بی علاقگي بمباني دين .

٤ـ مسافرت یکنفر حاجی بحجاز موجب علاقه وقدرداني ازوطن خودمیشود زیرا می بیند که سرزمیني که خداباو مرحمت کرده هزار مرتبه آبادتر وخرم تر از کشور حجازاست و مسافرت یکنفر بخارجه

موجب عدم علاقه بوطن‌و حقیر شمردن آن‌میشود زیرا می بیند کشور ایران در مقابل آن کشور ها خیلی عقب مانده است و در عوض آنکه بآبادی آن بکوشد ، از آن‌سلب‌علاقه‌میکند .

۵ - مسافرت یکنفر حاجي بمکه و مدینه و زیارت آن بقاع متبرکه ودر یافت‌لقب‌حاجی ، موجب آن میشود که وقتی بوطن‌خود بر گشت ، همچنان که حضرت رضافرمود ، گناهان‌را ترك كند و بعمل نیك‌بپردازد ، تاشایسته لقب حاجی‌باشد . امایکنفر که بکشورهای فرانسه وانگلستان‌وسویس مسافرت میکند ؛ وقتی که بوطن‌خود بر میگردد ، اگردررفتن هم دینی داشته و نمازی مثلا میخوانده در مراجعت برای آنکه شایسته عنوان(اروپادیده) باشد ، تظاهر به‌بیدینی و ارتکاب منکرات مینماید . وصدها تفاوت دیگر که ایندو مسافر با یکدیگر دارند . پس اگر کسی درد وطن دارد بگو این دلسوزیهارا درآنمورد بکاربرد .

**اشکال‌سوم** - این‌بود که چرااین همه حیوانات‌بمنظورقربانی کشته میشود ، درحالی که مصرفی‌ندارد ، واین‌عمل‌علاوه برلغو بودن ، اسراف‌است . باید دانست که عمل قربانی‌هرچند درصدراسلام بمنظور اطعام بوده چنانکه در کتاب [علل الشرایع] ازسکونی‌روایت شده که حضرت صادق عليه السلام از پدران بزرگوار خود عليهم السلام روایت نموده . و فرمود که:

[قال‌رسول‌الله‌انماجعل هذه الاضاحی‌لتتسع‌مساکینکم من اللحم فاطعموهم .

[این قرباني ها برای این قرار داده شده‌اند که شما بمساکین

خود ازجهت گوشت وسعت دهيدپس آنهارا اطعام كنيد] ودرهمان‌صدر اوليه اسلام‌هم‌اندك تغييرى بآن احكام داده شده . چنانكه در كتاب [علل الشرايع] صدوق و كتاب(محاسن)برقى‌ازمحمدبن‌مسلم ازحضرت امام باقر عليه‌السلام روايت شده كه فرمود : [ان النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله نهى‌ان تحبس لحوم الاضاحى فوق ثلاثة ايام من اجل الحاجة فاما اليوم فلابأس به] . ونيزدر[علل الشرايع] ازيونس بن جميل روايت شده كه گفت: ازحضرت صادق سؤال كردم از حبس كردن گوشت‌هاى قربانى درمنى بيش از سه روز ، حضرت فرمود : [ لابأس بذلك اليوم ان رسول‌الله صلى‌الله‌عليه‌وآله انما نهى من ذلك اولا لان الناس كانوا يومئذ مجهودين فاما اليوم فلا بأس به] .

[يعنى اينكار امروز عيب ندارد . رسول خدا ازاين كاردرمرتبه نخستين‌نهى فرمود براى اينكه مردم‌آن روز بدان محتاج بودند اما امروز بدان عيبى‌نيست‌وضرر ندارد ] .

[وقال ابوعبدالله عليه‌السلام كنانهى الناس عن اخراج لحوم‌الاضاحى بعد ثلاثة لقلة اللحم و كثرة الناس فاما اليوم فقد كثراللحم وقل الناس فلابأس‌باخراجه] .

ميگويد حضرت صادق فرمود : مردم رااز بيرون بردن گوشت هاى قربانى بعد از سه روز نهى ميكرديم براى كم بودن گوشت و بسيارى‌مردم ، امااًمروز گوشت‌زيادشده ومردم كمند ، پس‌بيرون‌بردن آن‌عيبي‌ندارد. پس‌راه‌چاره آن‌است كه‌دولت‌اسلامى‌بلافاصله‌بعدازقربانى لاشه‌هاى حيوانات قربانى‌را فوراً بسرد خانه‌ها ومحلهائى كه ازفساد مصون‌ميدارد انتقال‌دهد،تا بمصرف برسدومثلاً كنسروشود.وپوست‌وخون

آنها را نیز که در بازارامروزه دنیامصرف‌دارد ، با وسائل‌لازم‌بمصرف رساند .

واما جلوگیری از این عمل وتبدیل کردن آن بپول که بفقرا برسد ، گذشته‌ازاینکه تغییرحکم‌شرعی‌است ، که جزشارع کسی حق تغییر آن‌راندارد ، موجب‌فسادبزرگتری‌خواهدشد . زیرا شارع مقدس اسلام‌برای تأمین‌معاش ساکنین‌آن‌نقطه بی‌آب‌وآبادانی که وسیله‌ای جزتربیت‌اغنام واحشام‌ندارند ، قانون‌قربانی‌رامقررداشته ، تاساکنان آن سر زمین قفر بتوانند درآنجا زندگی کنند . وباجلوگیری از قربانی ، هم تربیت‌اغنام و احشام ازبین میرود وهم کسانی که در آن خطه ساکن وباین کار میپردازند. پس چاره‌ای جزادامه اینعمل‌نیست وبراي جلوگیری‌ازتفریط واسراف ، بایدچاره‌ای که انجام‌آن‌چنانکه گفتیم خیلی‌آسان‌است ، اندیشید .

**اشکال چهارم** - این‌بود که حاجي‌از خانمان وعیال وفرزندان دور میشود ودر غربت جان میسپارد . ضعف ونا چیزی این اعتراض برهر فرد ذیشعور بسي‌واضح ومبرهن است وجزاشخاص‌لوس و سبك مغزپیرامون این گونه سخنان نمیگردندچه اگربنااین‌باشد ، میباید انسان مانند درخت از جای خود حرکت نکند . زیرا درهرگونه مسافرت ونقل وانتقال این احتمال داده میشود . وانگهی‌اگر دولت اسلامی عطف‌توجه نموده‌همت‌بگمارد ، میتواندوقوع‌اینگونه احتمالات را بآسانی از میان بر دارد . زیرا وسائل روز افزون جدید روز بروز طریق مسافرت‌راآسان میکنند ، علاوه براین‌اگر کسی‌چنین احتمالی دهد و خطر مرك احساس کند ، نه تنها براوانجام حج واجب نیست

بلکه حرام است . پس این اشکال از بیخ بیجاست .

**اشکال پنجم** - این بود که افراد ملل مختلف و نا آشنا چگونه دریك روز گرم دریك نقطه اجتماع می کنند . درحالیکه بنظر بیگانگی بیکدیگر مینگرند . آری نمیتوان مخفی داشت که در اثر جهل مسلمانان و تزویر و کید دشمنان ؛ افراد مسلمان نسبت بیکدیگر بدبین و بنظر بغضاء و شحناء بهم مینگرند. ولی این عذری نیست که بجهت آن بتوان از انجام حج چشم پوشید ، بلکه همین عمل حج و اجتماع دریك روز و دریك محل موجب میشود که رفته رفته مسلمانان بایکدیگر آشنا شده و اثر آن القائات شوم را از بین ببرند . ودر نتیجه تحقیق و تتبع و تحصیل علم و دانش بیکدیگر نزدیك شوند ، چنانکه ازهم اکنون آثار سعد و میمونش آشکار است و مسلمانان میروند که یکدیگر را بشناسند.

**اشکال ششم** - این بود که چرا اشرف مخلوقات که انسان است باخس موجودات که سنك وخاك است احترام گذارد . باز اگر این احترام و تعظیم نسبت به پیغمبر و امامی بود جا داشت ، اما بچند سنك سیاه چرا ؟!

جواب این اشکال را بهتر است از لسان معجز بیان حضرت امیرمؤمنان علیه و آله صلوات الملك المنان بدهیم که درخطبه قاصعه میفرماید : [خدای سبحان خلق خودرا مي آزماید بپاره ای از چیزهائي که اصل آن را نمیدانند ، تا بدانوسیله آزموده شوند و گردنکشی و استکبار را نفی کرده ، تا نازش ومنیت را ازایشان دور کند . آنگاه مثل آدم و ابلیس وسجده نکردن ابلیس بآدم را ، بیان میفرماید وداستان بعثت انبیاء و آمدن موسی وهرون را بدربار فرعون مثل مي آورد که

باجبه‌های پشمی وعصای‌چوبین برفرعون واردشدند . تاجنبه آزمایش ازآن‌ساقط شود .

ومخصوصاً درموردحج میفرماید : [الا ترون‌ان‌الله سبحانه اختبر الاولین من لدن آدم صلوات الله علیه الی الاخرین من هذا العالم باحجارلاتضرولا تنفع ولا تسمع ولا تبصرفجعلها بیته الحرام‌الذی جعله للناس قیاماًثم وضعه باوعر بقاع الارض حجراً واقل‌نتائق الدنیا مدراً واضیق بطون الاودیة خطراً بین جبال خشنة ورمال دمثة وعیون وشلة وقری منقطعه لایز کوبها خف و لاحافرو لاظلف ثم امرآدم وولده ان یثنوا اعطافهم نحوه فصار مثابة لمنتجع اسفارهم و غایة لملقی رحالهم] تاآنجا که میفرماید : [ولواراد سبحانه ان‌یضع بیته الحرام و مشاعره العظام بین جنات وانهار وسهل و قرار حم الاشجار دانی الثمار ملتف البنی متصل القری بین برة سمراء و روضة خضرا و اریاف محدقة و عراص مغدقة ورياض ناظرة و طرق عامرة لکان قدصغر قدر الجزاء علی‌حسب‌ضعف‌البلاء ولوکان‌الاساس‌المحول‌علیها والاحجار المرفوع‌بها بین‌زمردة‌خضراء ویاقوتة حمراء ونوروضیاء لخفف ذالك مناذعة الشك فی‌الصدورولوضع‌مجاهدة‌الابلیس‌عن‌القلوب‌ولبقی‌مقبلج‌الریب من‌الناس ولکن‌الله یختبرعباده‌بانواع‌الشدائدویتعبدهم بانواع المجاهدویبتلیهم بضروب‌المکاره اخراجا للتکبرمن قلوبهم] جناب ولایتمآب علیه‌وآله صلوات‌الملك الوهاب‌دراین جملات‌شریفه میفرماید : [آیا نمی‌بینید که خداوند سبحان‌اززمان‌آدم تادوره‌پسینیان مردم‌این‌جهان‌رابسنگهائی آزمایش‌فرمود که زیانی‌نرسانند ونفعی‌نتوانند . نمی‌شنوندونمی‌بینند سپس آنها را خانه حرم خویش گردانید ،آن چنان خانه‌ای که برای

مردمان بپای‌داشته وآن‌رادرسخت‌ترین‌جاهای زمین ازحیث‌سنگستان بودن ، وکم خاکترین نقاط دنیا و تنك ترین دره‌ها قرارداد . میان کوههای‌ناهموار وشن‌های‌نرم وچشمه‌های کم‌آب وقریه‌های گسیخته ازیکدیگر، که حیوانات دارای سم شکافته و سخت وسم ناشکافته ونرم (مقصود گاو و گوسفند و شتراست) ، درآن‌نمو نمی کنند و فربه نمیشوند. آنگاه آدم‌وفرزندان‌اورافرمودتا بسوی آن،پهلوهاخالی کنند (سفرنمایند)سپس آن‌خانه راسودگاه‌سفرهایشان‌وبارانداززاحله‌هاشان گردانیدتاازبیابانهای‌خشك‌بسیاردورواز‌پرتگاههای‌دره‌های‌بسیارعمیق پریشان مووغبارآلود،وازجزیره‌های‌دریاهای‌دورازیکدیگر، میوه‌های دلشان بدان علاقمند شود ، تا ازروی خشوع وفروتنی بازوان خود را بجنبانند و در پیرامون آن خانه تهلیل کنند (لااله الاالله گویند)، در حالیکه‌برای رضای‌خدا پریشان‌مو و گردآلود بوده وجامه‌های‌دوختهٔ خویش را بپشت سرافکنده وزیبائی های خلقت خودرا ، برها کردن موها (نتراشیدن‌موها)،زشت کرده‌اند،ازباب آزمایش عظیم و امتحان شدید . خدااینعمل‌راوسیلهٔ‌رحمت‌خود گردانیده وموجب‌رسیدن‌ببهشت نموده.واگرحضرت‌اوسبحانه‌میخواست،خانه‌محترم‌خودوعبادتگاههای بزرك مقدار خویش را در میان باغستانها و جویبارها وسر زمین نرم و هموار که درختان سربهم بافته و میوه‌های آویخته و خانه‌های بهم پیوسته وقریه‌های متصل ودرمیان کشتزار گندم‌قرمزوبوستان‌سرسبزو کشتزارهای شاداب و راههای آبادان‌ومعمور ، قرارمیداد. اما درآن صورت‌ارزش پاداش‌را بهمان اندازهٔ ناچیزی‌آزمایش ، اندك مینمود . واگر اساسي که آن‌خانه برآن قرار گرفته وسنگهائی که درآن بنا

بالابرده‌اند ، ازز‌مردسبزو یاقوت‌سرخ ودارای نورخیره کننده‌وروشنی درخشنده بود ، البته چنین‌بنائی‌زدوخورد شك رادردلهاسبك میکرد، و کوشش‌ابلیس‌را ازدلها برای گمراه کردن‌بیك‌سومینهاد ، وعامل‌شك وشبهه را ازمیان مردم نفی‌ونابود مینمود . لکن خدا بندگان خودرا بانواع شداید می آزماید و آنانرا بگونه گون مجاهده‌ها ببندگی خویش‌وامیداردوایشانرابچندجوره گرفتاریهاوسختی‌هامبتلی‌میکند ، تاتکبررا ازدلهایشان بیرون کند ودر جانشان تذلل وفروتنی‌را جای دهد. تاآن‌آزمایش و گرفتاری‌وابتلاء را، درهائی‌بجانب فضل وبخشش خودقراردهد ، واسبابی‌برای‌همواروساعدساختن عفوخویش‌نماید] .

ودرخطبهٔ دیگردرنهج‌البلاغه‌میفرماید:[فرض‌علیکم‌حجّ بیته‌الذي جعله قبلةللانام یردونه ورود الانعام و یألهون الیه ولوه الحمام جعله سبحانه علامة لتواضعهم لعظمته واذعانهم لعزته واختارمن خلقه‌سماعاً اجابوا الیه دعوته و صدقوا حکمته و وقفوا مواقف انبیائه و تشبهوا بملائکته المطیفین بعرشه یحرزون للارباح فی متجرویتبادرون عنده موعد مغفرته جعله سبحانه للاسلام علماً وللعائذین حرماً فرض حجه و اوجب‌حقه و کتب‌علیکم وفادته فقال‌سبحانه : (ولله علی‌الناس حج البیت من‌استطاع‌الیه سبیلاومن کفر فان‌الله غنی‌عن‌العالمین)] .

میفرماید : [خداحج خانه خودراکه‌آنراقبلهٔ مردم گردانیده ، برشما فرض‌نمود .آن خانه‌ایکه مردم براو همچون چهار پایان وارد میشوند ، وچون کبوتران‌بسوی‌اوسر گشته وحیران‌می‌روند . خدای سبحان آن‌عمل‌را،علامت‌برای‌تواضع آنها‌بعظمت‌الهی،واقرارواذعانشان بعزت وی قرارداده . وازآفریدگان ، شنوایانی که‌دعوت اورا اجابت

نمایند ، وحکمتش را تصدیق کنندبر گزیده ، که درمواقف انبیای او بایستندو بفرشتگان که بگردعرش عظمت اومیگردند ، تشبه جویند . تا درتجارتگاه جهان سودهای لازمرا احراز نمایند ومیعاد مغفرت او رادرحضرتش مبادرت کنند . ذات پاك خداوندی امرحج راعلامتی برای اسلام وحرمی برای پناهندگان قرارداده. حج آن رافرض وحق آن راواجب فرموده ، و برشماحضوردرحضرتش راواجب نموده گفت: (زیارت اینخانه برهمهٔ مردمان ، هر که بدان راه تواند یافت مقرر استوهر که انکار کند ، خداازجهانیان بی نیازاست)] .

اما اینکه میگویند اگر امام وپیغمبر بود جا داشت که اینگونه موردتعظیم و احترام قرار گیرد ، اما خانه‌ای ازسنگ‌های سیاه چرا ؟ !

پاسخ آن اینست که اگر بدون فرمان خداوند باشد ، باید در تعظیم واحترام پیغمبروامام هم گفت چرا ؟ و اگر بفرمان خداونداست دراینجافرمان اوباریتعالی اینست که این اعمال بدین صورت انجام گیرد، پس اطاعت خداوندآنست که بهر چه دستورداده احترام کنیم ، والبته عبادت ، اطاعت بی چون وچرای معبود است . وحال اینکه اگر چنین احترام وتعظیم وطواف وقربانی دربارهٔ پیغمبروامام بود ، خالی ازفساد نبود که فعلامجال شرح آن فساد نیست درحالیکه اینگونه احترامات نسبت بخانهٔ کعبه موجدآن مفسده‌ها نمیشود .

**اشکال هفتم** ــ این بود که درمراسم حج حلالها حرام میشود .

درپاسخ باید گفت : اصولا عبادت همان اطاعت ازمعبود است که غالباً برخلاف مشتهیات نفسانی است . واساساً عبادت همان محرومیت ازتمتعات حلال است ، که دربسیاری ازعبادات حرام میشوند . چنانکه

في‌المثل درنماز، اعمال‌خوردن ونوشیدن وخفتن و سخن گفتن وامثال آن، که‌درمواقع‌عادی‌حلال‌است؛حرام‌میشوند.همچنین‌درروزه،خوردن‌و نوشیدن‌وهمخوابگی‌باازواج،وسرزیر آب‌فروبردن‌وامثال آن که عموماً حلالند ، حرام‌میشود ودرجهاد وغیر آن نیز مطلب چنین است . پس اینگونه اعتراضات ، اعتراضات بیهوده و جاهلانه بوده و علت آن ، عدم‌اطلاع ازمبادی شرع ومحرومیت ازذوق‌معرفت است.

گاهی پاره‌ای از نویسندگان و گویندگان اظهار سلیقه کرده میگویند : این پولی که صرف‌فلان تکلیف‌شرعی، مثل حج‌میشود‌آیا بهتر آن نیست که صرف نگاهداری اطفال یتیم ویا خوراك و پوشاك فقرا وساختن بیمارستان ومدرسه وامثال‌آن بشود ؟!

و برخی از اینان‌داستانهائي ازقبیل داستان عبدالله بن المبارك که پول حج خودرا بزن‌علویه‌ای که‌میته‌مرغ‌را برای اطفال یتیم خود میبرد ، شاهد مثال می‌آورند .

اینگونه افراد اگرمغرض و عنودنباشند ،لااقل ازفلسفه وحکمت حج بیخبرندونمیدانند که‌هیچکس‌حق‌ندارد‌پول‌حج‌واجب خودرا باینگونه کارهااختصاص‌دهد .

باینان باید گفت مگر آن موقعیکه پیغمبرخدایا ائمه‌هدی‌سلام الله علیهم قیام بانجام حج میکردند ، آیا در آن بلاد فقیر ویتیمی یافت‌نمیشد که‌آن پولها رابوی دهند که هم‌اززحمت حج راحت باشند وهم‌ثواب‌بیشتری‌ببرند ؟ مگر آن‌روز گاری که‌امام‌حسن‌مجتبی‌سلام‌الله علیه‌بیست‌و‌پنج‌حج‌باپای‌پیاده‌و بعضی‌را باپای برهنه‌انجام‌میداددر‌حالیکه اسبان‌بازین‌ولجام‌راغلامان‌وی ، خالی‌ازدنبال آن‌حضرت‌میکشیدند ،آیا

هیچ یتیمی وفقیری ومریضی در کشور اسلام که قلمرو حکومت آنحضرت بود، یادرشهر کوفه ویامدینه که مقر ومسکن آن جناب بود، یافت نمیشد ؟ و یا ممکن نبود که آن پولها را برای ساختن مسجد، کاروانسرا، مدرسه و غیرآن اختصاص دهد ؟! پس چرا نکردند ؟! اتفاقاً اینگونه گفتگوها همان روزهاهم بوده واین اظهارسلیقه‌ها درآن ایام هم میشده، ولی نظرشارع غیرآن بوده . چنانکه در کتاب شریف [تهذیب] شیخ طوسی و[مقنعه] شیخ مفید و[من لایحضره الفقیه وثواب الاعمال]شیخ صدوق رضوان الله علیهم، وارداست ازمعویة بن عمارازحضرت ابیعبدالله جعفر بن محمدالصادق علیه السلام ازپدران بزرگوارش که فرموده اند: [ان رسول الله صلی الله علیه و آله لقیه اعرابی فقال یا رسول الله انی خرجت ارید الحج ففاتنی و انا رجل ممیل فمر فی ان اصنع فی مالی ماابلغ به مثل اجر الحاج فالتفت الیه رسول الله فقال انظر الی ابی قبیس فلو ان ابا قبیس لك ذهبة حمراء انفقته فی سبیل الله ما بلغت به ما یبلغ الحاج ثم قال ان الحاج اذا اخذ فی جهازه لم یرفع شیئاً ولم یضعه الا کتب الله له عشر حسنات ومحا عنه عشر سیئات ورفع له عشر درجات . . . ]

میفرماید: [اعرابئی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم راملاقات نموده عرض کرد: یارسول الله من خارج شده واراده حج داشتم اما ازمن فوت شد ومن مرد مالداری هستم. درباره من دستور بفرمائید که درمال خودکاری انجام دهم تاثواب حاجی را دریابم . رسول خدامتوجه او گشته فرمود: باین کوه ابوقبیس نگاه کن . اگر این کوه ابوقبیس برای توطلای سرخ شود، که آن را درراه خدا انفاق کنی ، بآن ثوابی که حاجی رسیده نخواهی رسید ! آنگاه حضرت فرمود : حاجی همینکه مهیای رفتن شد (بطرف

مکه) هیچ چیز بر نمیدارد و نمیگذارد مگر اینکه خدا برای اوده حسنه مینویسدوده‌سیئه‌ازاو محومیکندوده‌درجه برای اوبلندمینماید .

وهم‌چنین‌در کتاب [وسائل الشیعه] ازحضرت‌صادق عليه السلام روایت شده که فرمود : [صلوة فریضة افضل من‌عشرین حجة و حجة خیرمن بیت مملوّ من‌ذهب یتصدق به‌حتي‌لایبقی‌منه شيء] یعنی [اداي يك نماز واجب افضل‌است ازبیست‌حج وانجام يك‌حج بهتر است ازخانه‌ای که پراز طلاباشد وآنراتصدق دهند بطوریکه هیچ‌چیزاز آن‌باقی نماند] . ونیز در آن کتاب شریف است که حضرت‌صادق فرمود : [درهم تنفقه فی‌الحج‌افضل‌من‌عشرین‌الف‌درهم تنفقه فی‌حق] یعنی[درهمی که‌درانجام حج خرج کنی افضل‌است از بیست هزار درهم که آن را در امر خیر دیگرخرج کنی] .

درحالیکه ازفحاوی‌همین‌احادیث معلوم میشود ، که این‌حجها حج واجب نبوده که آنقدرفضیلت‌دارد ، وخرج کردن‌در آن بهترازهر عمل‌خیری‌است، تاچه رسدبحج‌واجب که‌هیچکس‌بهیچ وجهی‌نمیتواند پول آن‌رادرغیر آن، خرج کند .

علت‌مهم این‌اظهارسلیقه‌وعقیده‌هااگرازروی‌بغض‌وغرض‌نباشد ، همانا ازجهل‌بحقایق احکام وفلسفه وحکمت وارزش اعمالی است که نظربلندوحکیمانهٔ شارع‌مقدس‌اسلام ، وضع فرموده . وازطرفي‌هم‌فساد عمل‌پاره‌اي‌از کسانیکه‌خودراحاجی‌مینامند ، اینگونه‌سلیقه‌هاوفکرها را تقویت کرده ، درحالیکه اگربانظردوراندیش‌ودقیق بمصالح‌وحکم این‌فریضهٔ عظمای الهیه ورکن‌رکین دین‌مبین‌بنگرند ،آنوقت‌ملتفت خواهند شد که‌هیچ‌عملی‌هر چند مهم‌باشدجایگزین آن‌نخواهد گشت .

اساساً نظرشارع اسلام درمورد حج بقدری مهم است و آن را عظیم میشمارد، که اگر فرضاً مردم قیام بامر حج نکنند، بر حاکم ودولت اسلام واجب است که آنانرا بامر حج مجبور نماید واگر فرضاً مالی نداشته باشند ، از بیت المال مسلمین بودجهٔ آنانرا تأمین کند .

در کتاب شریف[کافی] ازنضر بن سویداز عبدالله بن سنان از حضرت ابیعبدالله الصادق علیه السلام روایت است که آنحضرت فرمود : [لوعطّل الناس الحج لوجب علي الامام ان يجبرهم علي الحج ان شاؤوا وان ابوا فان هذالبيت انما وضع للحج] میفرماید : [اگر مردم حج رامعطل دارند بر امام(حاکم دینی وسیاسی اسلام) واجب است که آنانرا بحج مجبور کند، خواه بخواهند خواه نخواهند ، برای اینکه خدااین خانه را برای حج وضع نموده است].ودر کتاب[علل الشرایع]و[تهذیب]نیز مانند همین حدیث هست ایضاًدر کتاب[کافی]و[من لایحضره الفقیه]و[تهذیب]ازحضرت صادق روایت است که فرمود : [لوان الناس تركوا الحج لكان على الوالى ان يجبرهم على ذالك وعلى المقام عنده ..] میفرماید: [اگر مردم حج راترك كنند بر حکومت واجب است که آنانرا بر انجام این کار واقامت درشهر مکه مجبور کند] . ودرذیل همین حدیث میفرماید : [وان لم يكن لهم اموال انفق عليهم من بيت مال المسلمين] یعنی[اگر ایشانرا اموالی نباشد که بدان کار قیام کنند از بیت المال مسلمانان بر ایشان انفاق می کند] .

درشریعت حضرت خیر الانام صلی الله علیه وآله حج رکن بزرگی ازارکان اسلام است ، که شارع مقدس اساساً بنای شریعت رابدان منوط ، وبقای مسلمین رابانجام مناسك آن مربوط میداند. یعنی اگر خدای نا کرده وقتی بیاید که مسلمین حجرا تعطیل وخانهٔ کعبه را خلوت بگذارند ، عذاب الهی

ناگهان ایشان‌را درخواهدیافت و کیان وجودشان را از عرصهٔ هستی نابود خواهدساخت .

در کتاب شریف[کافی] ازحضرت ابیعبدالله جعفربن محمدالصادق سلام‌الله‌علیه روایت شده که آنحضرت فرمود : [کان علی‌صلوات‌الله‌علیه یقول لولده یابنيّ انظروا بیت ربکم فلا یخلونّ منکم فلا تناظروا] . یعنی [امیرالمؤمنین علي صلوات‌الله علیه بفرزندان خود میفرمود : مواظب ومراقب‌خانهٔ پرورد گارخودتان‌بوده باشید . مبادا ازشماها آن راخلوت گذارید که مهلت نمی‌یابید (بزودی هلاك میشوید) ]. ونیزدر همان کتاب ازحنان بن‌سدیرازپدرش روایت شده که گفت : درحضرت ابوجعفر امام محمّد باقر علیه‌السلام خانه خدا رایادآورشدم ، حضرت فرمود : [لوعطّلوه‌سنة واحدةلم‌یناظروا] یعنی : [اگرآن‌خانه رایکسال‌تعطیل کنندمهلت‌نیابند(بزودی‌هلاك‌شوند)] .

ودرحدیث دیگراست که‌آن‌حضرت‌فرمود : [لنزل‌علیهم‌العذاب] یعنی [البته عذاب برایشان‌نازل‌خواهدشد] .

بازدرهمان کتاب‌ازابوبصیرازحضرت‌صادق علیه‌السلام روایت‌شده که‌فرمود: [لایزال‌الدین‌قائماً ماقامت‌الکعبة] یعنی [دین همواره‌قائم‌وبرقراراست مادامي که خانهٔ کعبه قائم وبرقراراست] . این‌روایت‌را مرحوم صدوق نیز در[من‌لایحضره‌الفقیه‌وعلل‌الشرایع]آورده‌است. بازدرکتاب[علل - الشرایع] صدوق ازابی‌بصیرروایت است که ازحضرت ابی‌عبدالله صادق شنیدم که میفرمود : [اما انّ الناس لوترکوا حج هذالبیت لنزل بهم العذاب ومانوظروا] یعنی [اگرمردم‌حج‌این‌خانه راترك کنند هرآینه عذاب‌برایشان‌نازل‌خواهدشدومهلت‌داده‌نشوند].

ودر نهج البلاغه ضمن وصایای حضرت امیر المؤمنین بحسنین علیهما السلام می‌بینیم که مؤکداً می فرماید : [الله الله فی بیت ربکم لاتخلوه ما بقیتم فانه ان ترك لم تناظروا] که معنای آن مضمون همان روایات فوق الذکر است .

پس با این بیان، بقای اسلام بسته ببقای کعبه، وحیات مسلمین موقوف با نجام و احترام این رکن رکین است . آیا با این کیفیت میتوان چیزی را بجای آن نعم البدل گرفت؟ وپول حج راصرف نگاهداری اطفال سر راهی وامثال آن کرد ؟! البته خیر!. این درصورتی است که این دعوت و تقاضا حقیقت داشته باشد ، و براستی بخواهند این پولها راصرف نگاهداری این اطفال کنند . وحال اینکه چنانکه دانسته ومی بینیم میلیاردها از این پولها در اختیار شهرداریهاست ، ومتأسفانه و بدبختانه غالب آن صرف امور لاطائل شده ضایع و باطل میگردد ، که حتی شرح آن‌ها هم شرم آور و خجلت انگیز است .

درسطور گذشته بقدر مقدور اهمیت حج و فواید اجتماعي وانفرادي آن را ازنظر خوانندگان محترم گذرانديم .

اینك میپردازیم بشرح عظمت وارزش سیاسی آن . وقبل ازورود درمقصد، این نکته را یادآور میشویم که عظمت وارزش سیاسی حج بقدری مهم وفوق العاده است که مطمح نظر دشمنان بزرك اسلام قرار گرفته ، وعظمت وارزش آن را ، باوجود پیغمبر خدا وقرآن مجید برابر شمرده اند .

وهمواره سه چیز از دین مبین ، خاری دیده شکاف، وتیری جانکاه، درچشم ودل دشمنان دین است. یکی نام پیغمبر خدا ودیگر کتاب محکم الهی وسومی حج بیت الله الحرام . چنانکه مشهور است، که گلادستون رئیس الوزرای مدبر انگلستان درقرن گذشته درمجلس عوام انگلستان صریحاً اعلام داشت که

[ مادامیکه نام محمّد درمأذنه‌ها بعظمت یاد میشود و قرآن مورد علاقه و تلاوت است ، وحج کعبه انجام میشود ، نصرانیت در خطر عظیم‌است . وما ازاصلاح‌عالم عاجزیم . پس اگر باصلاح عالم علاقمندید نام محمّد را از مأذنه‌ها بردارید وقرآن را از دست مسلمانان بگیرید و کعبه راویران کنید تادنیا اصلاح شود ! !] .

البته‌اصلاحی که ازنظر کلادستون مهم‌بود ،آن بود که همواره کشورهای اسلامی را بحال‌استعمار نگه دارد . ودراین نیت خود که بمجلس‌انگستان‌پیشنهاد کرد ، بوسیله نقشه‌مکارانهٔ خودتاحدزیادی توفیق‌یافت ، که‌آثار آن‌هم‌اکنون‌دربلاد اسلامی‌باقی وبرقراراست، وما رافعلا‌مجال شرح آن نیست .

اکنون بشرح‌عظمت‌این‌رکن‌اعظم‌وحکم‌محکم‌اسلامی‌میپردازیم : وقبلا بایدبگوئیم‌این‌حجی که کلادستون ازآن میترسید ، همین‌حجی است که اکنون هم صورتی از آن درمیان مسلمین‌باقی است ، واگر حج‌را آنچنان که باید ومسلمین صدراول مخصوصاً رسول خدا ﷺ انجام داد ، و مسلمانان نیز مأمور بانجام چنان حجند ، می‌دید حتماً فی‌الفورودرساعت جان‌میداد ودیگر مجالی نمی‌یافت که‌بمجلس عوام انگلستان چنان‌پیشنهادی‌نماید . بلکه اگر آن‌حج‌بهمان‌صورت باقی‌میماند اصلا مجلس‌عوام انگلستان بلکه‌خود انگلستان و شاید کلادستوني بوجود نمی‌آمد که چنان مذاکراتی درآن انجام گیرد .

اینك‌شرح مطلب :

حاکم مسلمانان ( دولت اسلامی ) باید در موعدی معین اعلام نمایدکه مسلمانانی که نزدیك بمرکز ( پایتخت اسلامی )

هستندوخودرامهیای حج کرده ومستطیع میدانند، حاضر شوندتاازمرکز اسلام ، با شکوه وجلال تمام قافلهٔ حج بجانب بیت‌الله الحرام حرکت نماید . چنانکه در کتاب شریف [علل الشرایع] و [ارشاد] مفید و [تفسیر]امام وجلدششم[بحار] روایت است که :

[لما اراد رسول الله التوجه الي الحج واداء فرض الله تعالي اذن في الناس به وبلغت دعوته الی اقاصی بلاد الاسلام فتجهز الناس للخروج معه وحضر المدينة من ضواحيها و يقرب منها خلق كثير و تهيئوا للخروج معه صلى الله عليه وآله وسلم فخرج بهم الخمس بقين من ذی القعده وكاتب امير المؤمنين بالتوجه الى الحج من اليمين . . .] .

یعنی [همینکه رسول خدا اراده توجه بحج واداى فرض خدانمود مردم رابدان اعلام داشت ودعوت حضرتش بدورترین بلاد اسلامی رسید ، لذامردم برای خارج شدن باحضرتش خودرا آماده کرده وازنواحی ونزدیکیهای مدینه نیزمردم بسیاری حاضرشده ومهیای خروج باجناب رسول خدا گردیدند پس آنحضرت با جمعیت مسلمانان در بیست وپنجم ذی القعده بیرون آمد وباامیرالمؤمنین که دراین هنگام دریمن تشریف داشت نوشت که بقصدحج ازیمن حرکت کنند .. .. .]

پس بمفاد [و انزلنا اليك الذكر لتبينه للناس ] و همچنین فرمان واجب الاذعان [ و ان لكم في رسول الله اسوة حسنة ] : حاکم مسلمانان باید قبلا بعموم کسانیکه استطاعت حج دارند اعلام فرماید ، که برای انجام حج بپایتخت اسلامی حاضرشوند . وآن کسانیکه دربلاد جهت مقابل بوده وبمکه نزدیکترند وحضورشان در پایتخت مستلزم عسر وحرج است ، ازهمانجا بقصدمکه حرکت نمایند.

بطوریکه همزمان با حاکم اسلام وارد مکه وبیت الله الحرام شوند .

خوب اهر گاه فرض کنیم که تهران پایتخت اسلامی است وشاهنشاه ایران بعنوان حاکم اسلام باید بقصد حج بیرون شود، وفرمان شاهانه برای انجام این فریضهٔ الهیه ، باقصی نقاط بلاد اسلامی صادر گردد ، که تافلان روزمعین کسانیکه مستطیعند خودرا بپایتخت برسانند . آنگاه مردم مستطیع از بلاد اسلام مانندافغان وپاکستان وهندوستان وقفقازیه ولااقل همین شهرستانهای ایران که نزدیك تهرانند ، بپایتخت حاضر شوند و درروز معین حاکم اسلام باشکوه و جلال تمام ( که در اینمورد اظهار شکوه وجلال ، لازم بلکه واجب است) درحالی که لباس مسافرت حج پوشیده و بآن زیّ و زیوری که شایستهٔ یکنفرحاکم اسلامی است از منزل بیرون بیاید ، وسوارمرکب شاهانه شود ، وحجاج نیزهمانند او باعظمت وجلال لازم ودرخور، بسوی مقصدباتهلیل وتکبیروآدابی که در کتب فقهی واردشده ، حرکت نمایند . تصور کنیدهمین وضع و کیفیت وجلال وعظمت در انظار مردم عالم ودرقلوب ملل وامم چه اهمیت واثری باقی خواهد گذاشت . آنگاه بایدهنگامیکه این قافله باعز وجلال ازطریقی که حرکت مینماید، درهرشهرستانی که میرسد گروهی ازمردم آن شهرستان که مستطیع ومهیای حجند ، بااقوام وخویشاوندان حاضرشوند. بلکه تا آنجا که امکان دارد باید برای تعظیم شعائر الهی (ودرعوض کارهای عبثی که جاهلان بامخارج سنگین بعنوان تعظیم شعائر، که در حقیقت تخریب دین است بآن میپردازند) درچنین روزی که قافلهٔ عظیم حج ازاین شهر میگذرد، تمام مردم شهر تعطیل عمومی نموده وباستقبال حجاج وحاکم اسلام، که درفرض ماشاهنشاه ایران است بیرون بیایند . وسپس حاجیان

این شهرستان مثلاقم ضمیمهٔ حجاجی که درموکب حاکم اسلام میباشند ، گردیده بسوی شهر اراك حرکت نمایند ودر آن شهر نیز حجاج والامقام از حاکم اسلام وبرادران حاجی خود استقبال واحترام نمایند . وهمچنین در شهرستانهای دیگر تا این قافله باعظمت وجلال وارد میقات گردد وازطرف دیگر حکام وفرماندارانی که در بلاد آن سوی مکه معظمه هستند چون یمن ومصر وتونس ومراکش وسایر بلاد جنوبی وشرقی وغربی مکه معظمه ، تماماً طبق دستوری که ازحکومت اسلامی صادر میشود درموعد معین بمیقات معلوم خود رسیده وازهمان نقطه محرم شوند یعنی لباسهای گوناگون را بیرون آورده بوضع ساده ولباس مخصوص احرام که دوتکه پارچه ندوخته و غیر مخیط است ملبس گردند .آنگاه غسل احرام نموده ودر زمان و ساعت معینی ، حاکم اسلام وحجاج والامقام که درموکب همایون امام مسلمین اند ، بیکباره آوازجانفزا وروح پرور، همچون فرشتکان آسمانی درداده بتلبیه بپردازند وهمزمان وهم آهنك بصدای بلند با قلبی مملواز عظمت وجلال الهی وچشمانی اشکبارازشوق دیداریار آوازدر دهند : [ لبیك اللهم لبیك لبیك لاشریك لك لبیك ان الحمد والنعمة لك لاشریك لك لبیك ].

واین ذکرشریف وعظیم درتمام احوال یعنی هنگامیکه دو قافله بیکدیگر بر میخورند ودوشخصی تازه میبینند، درپستی ها وبلندیها وهنگام سوار شدن وپیاده شدن وبیدارشدن ازخواب ووقت سحر همچنان گفته میشود تا هنگامیکه دیوارهای مکه واعلام کعبه نمودار گردد . که درمعنی وصول بوصل است ودرهنگام وصل ناله وفریاد لازم نیست. پیداست که آن دلهائی که ازشوق عظمت وجلال الهی درسینه می طپدو بعشق دیدارخانه یارومعبود

حقیقی از خانمان وزن وفرزندان میگذرد ، ودر وادی طلب قدم میگذارد، همینکه بآستان معشوق علی الاطلاق میرسد ، هیجان واضطراب وبیتابی واشتیاقش بحد اعلای خود میرسد و بعنوان اجابت فرمان واجب الاذعان : [و لله علی الناس حج البیت] فریاد لبیك لبیك از عمق جان برمی آورد وتا وقتی که پای در آستان عزت وجلال حضرت مالك الملوك می نهد ، از باب احترام زبان سخن در می بندد وبا زبان دل در حالیکه مستغرق عظمت پرورد گار خویش است ، بمناجات میپردازد . شکوه وجلال وعزت مسلمین در چنین سفری علاوه بر آنچه قبلا گفتیم در موقع نمازهای یومیه ای که بجماعت با اقتدا بحاکم اسلام که امام انام است ؛ انجام میشود ، نیز پرده حیرت انگیر وخیره کنندهٔ دیگری از عظمت وتأثیر فوق العاده آن در قلوب ایجاد و آشکار میکند.

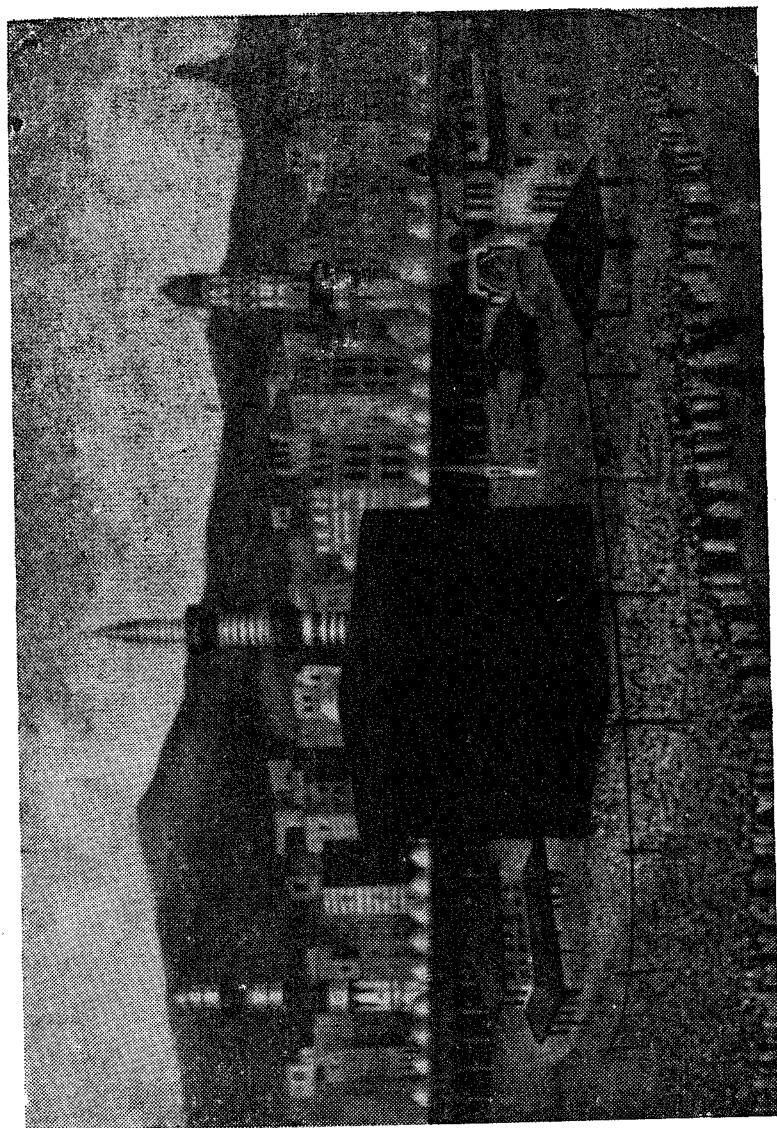
آنچه فوقاً شرح دادیم ، بسا باشد بنظر کسانیکه وضع موجود را ، اسلام حقیقی تصور میکنند، عجب نماید. و آن را سلیقه و پیشنهاد تازه ای بدانند و بدعت شمارند ولی همچنانکه همیشه گفته و نوشته ایم مخصوصاً در کتاب (ارمغان آسمان) ثابت نموده ایم وضع موجود ما کمتر شباهت باسلام حقیقی دارد و اکثر اعمال ما منشأش آداب وسنن مجوسیت و اعمالی است که اصلا مربوط باسلام نیست . مثلا در همین وضعی که فوقاً تشریح کردیم و گفتیم که باید حاکم اسلام باین کیفیت برای زیارت بیت الله الحرام حرکت نماید، سند ما سنت سنیه رسول خدا است که کتب معتبره احادیث و تواریخ ضامن بیان آن است . ومخصوصاً در حج رسول خدا وتواریخ معتبر مصرح است که در هنگام تلبیه بیش از صد وچهار ده هزار ودر روایتی صدو

بیست و چهار هزار از حجاج با رسول خدا هم صدا و هم آهنك
بودند . و پرواضح است که درصدراسلام و درزمان رسول‌خدا بیش از
این‌تعداد‌ازمسلمانان، که استطاعت وشرایط حج رادارا باشند امکان
نداشت که ازمیقات مدینه که مسجدشجره است‌باآنحضرت صدابتلبیه
برآورند واین اولین وآخرین حج رسول خدا بعد از هجرت است و
مسلماً اگر عمر شریفش وفا میکرد عظمت و اهمیت سالهای‌بعد بسی
افزون تر و باشکوه‌ترمیبود .

پس از اینکه قافله حج در رکاب امام مسلمین و حاکم عادل
سیاسی‌اسلام‌پای‌درحرم‌امن‌الهی‌نهاد، درشهرمکه مستقرمیگردد. (۱)،
پس ازاستقرارحجاج در منازل خود ، وانجام طواف خانهٔ خدا
ونمازدر مقام ابراهیم وسعی صفا ومروه وتقصیر که بااین اعمال عمره
تمتع بپایان‌میرسدوحاجیان‌محل گردیده‌ازلباس احرام خارج‌وبه‌بهره-
وری از تمتعات حلال میپردازند ، همه روزه نمازیومیه رابجماعت در
پشت سر امام مسلمین و حاکم سیاسی و دینی اسلام در مقابل خانه
کعبه در مسجد الحرام بجا می‌آورند . وامام مسلمین‌آنچه ازمواعظو

---

(۱)این شهردر نظرشارع مقدس یك شهربین المللی بین تمام مسلمین
است ، بطوریکه حتی خانه‌های‌آن‌باید بدون‌اجاره و کرایه دراختیار
حاجیان‌قرار گیرد . چنانکه درجلد ۲۱ [بحارالانوار] احادیث مرویه
از ائمه اطهار مخصوصاً ازحضرت صادق و امیرالمؤمنین عليهم‌السلام درذیل
تفسیرآیهٔشریفه [جعلناه‌للناس‌سواء العاکف‌فیه‌والباد] فرموده‌اند که:
[خانه‌های‌مکه بایددر اختیارحجاج باشدواجاره دادن آنها روانیست]
و گفته‌اند:[ان‌اول‌من‌جعل‌لدورمکةابواباًمعوية] یعنی [اول کسیکه ←



دور نمائی از کعبه

نصایح و اطلاعات ، لازم باشددراین مواقع بسمع مسلمانان میرساند .
چنانکه بنابر روایات معتبره در هنگامیکه حضرت سیدالاحرار حسین
بن علی علیه‌السلام برای فرارازبیعت یزیدبن‌معویه ، بمکه پناه برده بود ،
در ماههای شعبان ورمضان و شوال وذی‌القعده و ذی‌الحجه در مسجد
الحرام بانجام نماز قیام میفرمود و بعداز نماز مردم را بتقوی خدا امر، و
بمظالم حکام جور، انهاء وآنانرا بقیام و اقدام بوظایفی که درمقابل
ستمکاران وجلوگیری ازایشان دارند توصیه وتهییج مینمود .

آنگاه از روز هشتم حاکم مسلمین با نخبهٔ افراد روی زمین
که حجاج و الامقامند ، مجدداً بلباس احرام در آمده و برای درك
موقف عرفات از شهر بطرف بیابان کوچ می کنند . وشب رادرآن سر
زمین مقدس بیادخدا ومناجات باحضرت باریتعالی بروز می‌آورند وروز
نهم پس ازانجام اعمال فردی، امام مسلمین وحاکم اسلام درجائی که مشرف
برمردم باشدمقام میگیردوچنانی که رسول خدا دراین روزدرآن صحرای
محشرنما ، بایرادخطبه پرداخت، بایرادخطبه میپردازد وطبق روایات
تواریخ معتبرو کتب احادیث شیعه و[سیره] ابن‌هشام جلد٤ص٢٧٦چون

⟵ بخانه‌های مکه در گذاشت وحجاج رااز استفادهٔ مجانی آنها ممنوع
داشت معویه علیه الهاویه بود] . وشیخ طوسی رحمة‌الله‌علیه باسناد خود
از حضرت امام جعفرصادق روایت نموده که آنحضرت فرمود :

[لیس ینبغی لاحدان یمنع الحاج شیئا من الدورومنازلها] یعنی[هیچکس
حق ندارد که حاجی را از خانه های مکه ومنازل آن مانع شود] ونیز
فرموده است : [لیس ینبغی لاهل مکة ان یجعلوعلی دورها ابواباً] یعنی
[باهل مکه نمیرسد که برخانه‌های آن درها بگذارند]) .

صدای آن حضرت بمردم نمیرسید لاجرم مردی جهیر الصوت و بلند
آوازبنام ربیعة بن امیة بن خلف هرچه را رسول خدامیفرمود اودر چند
قدمی بربالای تپه بلندی سوارشتر برمردم ، فرومیخواند در [سیره] ابن
هشام ، ابن اسحق میگوید حدیث کرد مرایحیي بن عبادبن عبدالله بن
زبیر ازپدرش عباد گفت: [کان الذی یصرخ في الناس بقول رسول الله وهو بعرفة
ربیعة بن امیة بن خلف قال یقول رسول الله قل یاایها الناس ان رسول الله یقول
فلان وفلان] که هرچه پیغمبر میفرمود اوباصدای بلند تکرارمینمود .
پس حاکم اسلام که دراصطلاح شرع امام است طبق روایات صادره از
معصومین بایراد خطبه میپردازد که [و یخطب الامام یوم التاسع من
ذی الحجة] ، در آن خطبه هرچه ازمصالح مسلمین و بیان دستورات شرع انور در
قبال حوادث ، پیش آمدهای روزگار لازم بداند بسمع مسلمین میرساند. ودر
این زمان که بحمدالله وسائل بزرك نمودن صدا مانندمیکروفنها و بلند گوها
موجوداست ، احتیاج بآن ندارد که صدای پیشوای اسلام بوسیلهٔ اشخاص
تکرارشود . امروزنه تنها باوسائل وتجهیزات جدیده صدای اورامیتوان
بتمام حاضرین صحرای عرفات رسانید ، بلکه بوسیلهٔ رادیووتلویزیون
میتوان صدای اوراکه حامل پیغامهای الهی وشامل مصالح مسلمین است
ازشرق تاغرب عالم در آن واحدرسانید وشخص اورا با وضع وهیئت خاصی
که مشغول ایراد نطق مقدس خویش است ببسیاري ازمردم جهان نمایانده
وشناسانید و بدیهی است که مضامین نطق امام مسلمین و پیشواي سیاسی اسلام
دراینمقام حاوی نکات مهم ولازم درموضوعاتی است که بستگی بوضع
اجتماعی واقتصادی وسیاسی مسلمانان دارد . بعدازاین نطق که نتیجه
وهدف بزرك ازاین اجتماع عظیم است ، رئیس مسلمانان هریك ازافراد

زبدهٔ مسلمین‌را که دراین‌سرزمین‌حضورداراند ، هرگاه بخواهدمطالب لازم‌را باویادآورشود،احضارمینماید وشاید ازهمین‌نظرمستحب‌است که حاجی‌خیمه وخرگاه‌خودرادرنزدیکی‌بارگاه امام مسلمین قراردهد . چنانکه‌درجلد۲۱[بحار]ازنسخهٔفقه‌رضوی‌سلام‌الله‌علیه آورده‌است: [واذا اتیت‌عرفات فانزل‌بطن نمرة من‌وراء الاحوص ان‌استطعت او کن‌قریباً من‌الامام] .آنگاه‌امام برای نمازظهروعصر قیام می‌نمایدوچنانکه‌در احکام حج آمده‌است بایدمردم خودرابرای اقتدای بامام وانجام‌نماز جماعت بمصلای‌امام برسانند.چنانکه در همان فقه رضوی میفرماید : [فاذا زالت‌الشمس فاغتسل‌وتوضأ والغسل افضل‌ثم‌ائت مصلی‌الامام‌فصلّ معه‌الظهر والعصر باذان واقامتین ...].

یعنی[همینکه‌موقع زوال‌آفتاب شد غسل کن‌ووضو بگیروالبته غسل‌افضل است آنگاه بنمازگاه امام‌آمده بااو نمازظهر وعصررابیك اذان‌ودواقامه‌بجاآور. ..].سپس‌موکب‌امام‌حرکت‌میکند برای مشعر الحرام ودنبال او حجاج بموقف مشعر حرکت میکنند ودر هر مورد واجب است که افراد تابع‌امام‌بوده وقبل‌ازاوحرکت‌نکنند . مخصوصاً ازمشعرومزدلفه برای منی : چنانکه صریح‌فرمایش‌حضرت رضادرفقه رضوی است که‌میفرماید : [ولاتدفع حتی یدفع‌الامام وذالك قبل‌طلوع الشمس] . وبالاخره تمام اعمالی‌را که رسول خدا صلی الله علیه و آله درحج انجام داده‌برحاکم مسلمین است که بمقتضای‌زمان ،آن‌اعمال را انجام دهد حتی درهرنقطه‌ای که جنابش ایستاده است . چنانکه در کتاب[اعلام الوری] و جلد ۲۱ [بحار] است که میفرماید : [و وقف رسول‌الله صلی الله علیه و آله علی‌فرج وهوالجبل‌الذی قال جعفر بن محمد علیه السلام فتستحب للامام الموقف

ان يقف عليه] يعنى [رسول خدا بر كوه فرح توقف فرمود پس بر امام موسم است كه بر آن وقوف كند] . آنگاه حجاج برمى جمره و انجام مناسك قربانى وحلق وتقصير ميپردازند . ايامى كه درصحراى منى متوقفند يعنى روز دهم و يازدهم ودوازدهم ايامى است كه حاكم سياسى اسلام در آن صحراى روح افزاى بهجت زاميتواند سران بلاد اسلامى را يك يك ياجمعاً ملاقات كرده ومطالب مهمه ولازمه را با آنان درميان گذارد و كسانيكه عهده دار امور اقتصادى جامعه اسلامى هستند دراين فرصت ميتوانند موضوعات تجارى ومعاشى خودرا مطرح وقراردادها وتعهدات خودرا موردوارسى ودقت و گفتگو قراردهند . زيرا چنانكه خوددر اول اين رساله ياد آورشديم وضع فريضهٔ حج براى تنظيم امور معاد ومعاش است. چنانكه خداميفرمايد : [وليشهدوا منافعهم] . وبراى تيمن درخاتمه اين بيان اين حديث شريف را از تفسير [عياشى] و [بحار] مي آوريم. ابان بن تغلب ميگويد: بحضرت ابيعبد الله صادق عرض كردم :

[جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس]
[قال جعلها الله لدينهم ومعايشهم]




فوايد وحكمت هاى فردى واجتماعي وسياسى حج بطور مختصر در ليلة القدر ٢٣ رمضان ١٣٨١ با كمال عجله تحرير شد وتفصيل اين موضوع مهم موكول بمجال بيشتر وتوفيق از جانب خداى اكبر است .

والحمدلله على كل حال اللهم ارزقنا حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك و الائمة عليه وعليهم السلام فى عامنا هذا وفي كل عام وصلى الله على محمد وآله الطاهرين .